

د افغانستان بانک
(بانک مرکزی)

بانک

د افغانستان بانک خپرونه
پنځم کال، اووه پنځوسمه گڼه، د کب میاشت

نوی کال مو مبارک شه

د افغانستان بانک خبرتيا

د افغانستان د اسلامي جمهوريت د وزيرانو شورا د ۱۳۹۰/۱۲/۸ نېټې د ۴۷ گڼې مصوبې او د پيسو د تطهير او د تروريزم د تمويل پر ضد د مبارزې قانون د پلي کولو په موخه؛ ټول هغه کسان چې له هېواد څخه دباندې د سفر کولو نيت لري، د سفر پر مهال کولای شي تر شل زره امريکايي ډالرو يا د هغه معادل په نورو بهرنيو اسعار د هېواد له هوايي ميدانونو او نورو بندرونو له لارې وليږدوي، له وضع شوې محدودې څخه د زياتو مبالغو انتقال (له شل زرو څخه زيات امريکايي ډالر يا د هغه معادل په نورو بهرنيو اسعار) بايد د هېواد د مجوزو بانکونو له لارې تر سره شي.

ټول محترم مسافرين دې د افغانستان د اسلامي جمهوريت د وزيرانو شورا دا پريکړه په پام کې ولري، خو له احتمالي ستونزو سره مخامخ نه شي.

انتقال اسعار بوسیله نظام بانکی، سبب سالمیت بیشتر نظام مالی می شود



یکی از وظایف اصلی د افغانستان بانک، نظارت، کنترل و استحکام بیشتر نظام مالی کشور است. قانونمند ساختن این نظام از یکسو سبب اعتماد بیشتر مردم و از سوی دیگر باعث تغییر سیستم کهنه و عقب مانده به سیستم و نظام عصری و مدرن می گردد. مدتهاست که انتقال اسعار از طریق میدان های هوایی و بنادر افغانستان، به یکی از مسایل عمده اقتصادی تبدیل شده است و نگرانی هایی را به بار آورده است. از آنجائیکه در چارچوب اقتصاد بازار که در قانون اساسی کشور تسجیل یافته است، ممانعتی بر انتقال (خروج و دخول) اسعار وجود ندارد و از طرف دیگر هنوز اقتصاد مافیایی و سیاه از طریق تطهیر پول و تمویل تروریزم یکی از معضله های جدی به شمار میروند؛ د افغانستان بانک برای اینکه نگرانی های موجوده را با در نظر داشت اقتصاد بازار مرفوع ساخته باشد، تلاش می ورزد تا راهکار هایی را روی دست بگیرد که استحکام بیشتر نظام مالی شده و از کندی و سکتگی روند تادیاتی نیز جلوگیری شود.

در این اواخر بر اساس پیشنهاد د افغانستان بانک، شورای محترم وزیران جمهوری اسلامی افغانستان به تصویب رساند که هر شخصی که قصد سفر به خارج از کشور داشته باشد تا بیست هزار دالر و یا معادل آن به سایر اسعار را از طریق میدان های هوایی و سایر بنادر کشور انتقال داده میتواند و مبالغ بالاتر از حد تعیین شده را باید از طریق بانک های مجوز کشور انتقال دهد. د افغانستان بانک باور دارد که وضع این محدودیت در جلوگیری از تطهیر پول و تمویل تروریزم مؤثر خواهد بود و راه را بروی اقتصاد مافیایی و غیر مشروع که اثرات ناگوار بر رشد اقتصادی، ثبات قیم و استحکام سکتور مالی می گذارد، مسدود خواهد کرد. در عین زمان انتقال اسعار از طریق نظام بانکی، سبب ایجاد چشمه های جدید و شفاف عایداتی دولت می شود و روند مؤثر، شفاف، سریع، مطمئن و امن تادیات را بوجود می آورد، که بدون شک نظام مالی کشور ما را در پله های بلند توسعه و انکشاف قرار میدهد.

د دې گڼې مطالب

وضع محدودیت در انتقال غیرقانونی اسعار از کشور

جمهوری اسلامی افغانستان موافقت نامه عضویت در بانک ایکو را امضا نمود

نگاهی بر تطبیق اصلاح واحد پولی افغانستان

کاهش ارزش دالر، نگرانی ها، تدابیر و اقدامات

په اداره کې د مالي مدیر بنسټيزې بوختياوې

ارجگذاری به مقام والای زن در د افغانستان بانک

په ټولنه باندې د اقتصاد اغېزې

جهان اقتصاد

مروری بر رشد تولید ناخالص داخلی

د بهرنیو اسعارو خوندي پټنځایونو سره خدای په امانی؟

بانک

صاحب امتیاز: د افغانستان بانک

مدیر مسول: یما عقیف

گزارشگران: عبداللطیف بایانی و عبدالحفیظ شاهین

دیزاین: عبدالقیوم روف ارغند

فوتوژونالیست: زیرک ملیا

آدرس: آمریت عمومی اسناد و ارتباط، د افغانستان بانک

تلفون: ۰۰۹۳۰۲۰۲۱۰۳۸۱۵ / ۲۱۰۴۷۶۱

فکس: ۰۰۹۳۰۲۰۲۱۰۳۰۵

پست الکترونیکی: magazine@centralbank.gov.af

صفحه الکترونیکی: www.centralbank.gov.af

یاد آوری:

به غیر از سر مقاله که دیدگاه رسمی د افغانستان بانک است، مسوولیت مضامین و مقالات دیگر به نویسندگان آن بر میگردد، همچنان استفاده از تصاویر مجله بانک با ذکر مأخذ مجاز است.

وضع محدودیت در انتقال غیر قانونی اسعار از کشور

و این همه باعث ضعف اقتصاد و کاهش رشد اقتصادی کشور میگردد. این مطلب را محترم نورالله دلاوری رئیس گُل د افغانستان بانک روز شنبه ۱۳ حوت سالروان در کنفرانس مطبوعاتی که پیرامون تغییرات در طرح انتقال اسعار از افغانستان به خارج در تالار کنفرانس های د افغانستان بانک تدویر یافته بود اظهار نمود.

محترم رئیس گُل د افغانستان بانک افزود: از آنجائیکه انتقال اسعار در دوازده ماه گذشته افزایش یافته است و از دو ملیارد



خروج غیر قانونی اسعار از مرزهای کشور به خارج از افغانستان از دیدگاه اقتصادی تأثیرات و پیامد های بس ناگواری بر اقتصاد وارد مینماید. این روند نه تنها باعث کاهش میزان ذخایر ارزی میگردد بلکه توانمندی بانک مرکزی را در راستای تطبیق سیاست پولی مناسب (ثبات قیمت های داخلی و ارزش پول افغانی در برابر اسعار خارجی) را نیز صدمه میزند. بر علاوه خروج اسعار خارجی تأثیرات منفی بزرگی را بر سرمایه گذاری های داخلی وارد مینماید





محترم رئیس کُل د افغانستان بانک این گام را برای تطبیق سیاست مؤثر پولی و اسعاری علیه تمویل تروریزم و تطهیر پول مهم خواند و یادآوری نمود که این روند سبب می شود تا نظام مالی کشور ما بیش از پیش به سوی قانونی شدن برود و استحکام یابد.

در کنفرانس مطبوعاتی متذکره محترم نورالله دلاوری رئیس کل د افغانستان بانک، محترم خان افضل هده وال و محترم الحاج محمد عیسی طراب معاونین د افغانستان بانک، مصطفی مسعودی آمر دیپارتمنت تحلیل راپورهای مالی افغانستان، آمرین و معاونین دیپارتمنت های د افغانستان بانک و نمایندگان رسانه های جمعی اشتراک ورزیده بودند.

بعداً به سوالات ژورنالستان پاسخ ارایه شد.

دالر تخمین شده به حدود ۴.۶ میلیارد دالر رسیده است از اینرو برای جلوگیری از خروج غیر قانونی اسعار از کشور، د افغانستان بانک پیشنهادی مبنی بر وضع محدودیت بر انتقال اسعار از طریق میدان ها و بنادر کشور به شورای محترم وزیران ارائه داشت که بر اساس مصوبه شماره ۴۸ مورخ ۱۳۹۰ / ۱۲ / ۸ آن شورا پیشنهاد ریاست عمومی د افغانستان بانک مبنی بر جلوگیری از پول نقد به شکل اسعار، که قیمت مجموعی آن بیشتر از بیست هزار دالر امریکایی و یا معادل آن به سایر اسعار خارجی باشد، از طریق میدان های هوایی و سایر بنادر کشور تصویب گردید و تذکر داده شد که مبالغ بالاتر از محدوده وضع شده از طریق بانک های مجوز کشور انتقال گردد.



جمهوری اسلامی افغانستان موافقت نامه عضویت در بانک (ECO) را امضا نمود

بانک ایکو که عمدتاً به هدف فراهم آوری تسهیلات اعتباری و مالی پایه گذاری شده است، کشور های عضو را در عرصه های مختلف اقتصادی همکاری می نماید.

محترم نورالله دلاوری رئیس گل د افغانستان بانک به تاریخ ۱۲ مارچ ۲۰۱۲ طی یک سفر رسمی به استانبول، ترکیه، موافقت نامه عضویت افغانستان در بانک ایکو (ECO) را امضا نمود. جمهوری اسلامی افغانستان با بدست آوردن عضویت این بانک از مزایایی چون: رشد روابط تجاری بین کشورهای عضو و منطقه، تسهیل سرمایه گذاری در سکتور خصوصی و دولتی، ایجاد فرصت های وظیفوی، استفاده از منابع مالی و بشری در راستای انکشاف هر چه بیشتر کشورهای عضو، سرمایه گذاری بالای سکتور های کلیدی این کشور ها بخصوص سکتور های صنعت، زراعت، خدمات و بالاخره ایجاد یک چارچوب منظم اداره خطرات جهت کاهش خطرات ناشی از تطهیر پول، تمویل تروریزم، سو استفاده های مالی و فساد اداری مستفید می شود.

ناگفته نباید گذاشت که عضویت جمهوری اسلامی افغانستان در بانک ایکو برای نخستین بار توسط جلالتماب حامد کرزی رئیس جمهور، اسلامی افغانستان در یازدهمین اجلاس سران کشورهای عضو ایکو که به تاریخ ۲۳ دسمبر ۲۰۱۰ میلادی در استانبول، ترکیه برگزار گردیده بود، اعلام شد.

متعاقباً د افغانستان بانک تقاضا نامه عضویت در بانک مذکور را به تاریخ ۵ جنوری ۲۰۱۱ میلادی عنوانی مقامات با صلاحیت بانک ایکو ارسال نمود که به تاریخ ۲۵ فبروری ۲۰۱۱ از جانب بورد رئیسان این بانک پذیرفته شد.

جمهوری اسلامی افغانستان با امضای این موافقت نامه و طی مراحل پروسیجر ملی به زودی عضویت رسمی این بانک را بدست

می آورد. ●



رابت علمیار
معاون آمریت عمومی سیاست پولی د افغانستان بانک

بخش اول

پالیسی سازان اقتصاد کلان میباشد، اما نمیتوان گفت که یک عملیه یا پروسه نا ممکن است. تعویض پولهای کهنه به پولهای نو به شرایط اقتصادی یک کشور ارتباط میگیرد. یعنی به هر اندازه که اقتصاد رشد و انکشاف و پیشرفت نموده باشد به همان اندازه تولیدات و خدمات جدید به بازار عرضه میگردند که این خود اقتصاد ها را پیچیده تر یا زنجیری میسازد، به عبارت دیگر سکتورهای اقتصادی گوناگون اقتصادی باهم وابسته گی ناگسستنی داشته و هر تغییر در یک سکتور باعث تاثیرات مثبت یا منفی در سکتور های دیگر میگردد که امر باعث پیچیده تر شدن ریفورم پولی میگردد، و این نوع اقتصاد هاعمولاً ریفورم واحد پولی خود را در چندین مرحله تکمیل مینمایند . قابل ذکر است که یکی از مزایایی که افغانستان در جریان تطبیق پروسه ریفورم

صلاحید مقامات ذیصلاح یک کشور صورت میگیرد.

3) اصلاح واحد پولی : عبارت از تغییر نام واحد پولی یک کشور از یک نام به نام دیگر میباشد.

4) اصلاح واحد پولی : این تعریف تمام تعاریف فوق الذکر را در بر دارد، یعنی اصلاح واحد پولی عبارت است از تغییر شکل (مشخصات امنیتی) واحد پولی و نام آن و همچنان تعویض پول های کهنه به پولهای نو به یک نرخ مبادله معین که توسط مقامات تعیین میگردد .

تطبیق پروسه اصلاح واحد پول افغانی درافغانستان بیشتر به تعریف اخیر یا چهارمی ارتباط میگیرد، به استثناء تغییر نام واحد پولی .

در این رابطه باید گفت که تطبیق ریفورم واحد پولی یک کشور کاری خیلی دشوار برای

اصطلاح ریفورم واحد پولی نظر به شرایط سیاسی-اقتصادی یک کشور تعریف گردیده است. در این رابطه، مراد از جمله "اصلاح یا ریفورم واحد پولی" تغییرات واحد پولی گفته میشود. باید گفت که تمام مسایل در این مقاله صرف از نگاه اقتصادی در نظر گرفته شده است.

بطور نمونه میتوان از تعاریف ذیل در مورد ریفورم واحد پولی استفاده نمود:

1) اصلاح واحد پولی: عبارت از تطبیق تغییرات در مشخصات امنیتی واحد پول ملی یک کشور است که به ارزش اسمی مساویانه قابل تعویض اند. یعنی پولهای کهنه به پولهای نو به عین ارزش اسمی قابل تعویض اند .

2) اصلاح واحد پولی: عبارت از پروسه تعویض پول های کهنه به پولهای نو در مقابل یک نرخ مبادله می باشد که حسب

واحد پول افغانی داشت، سیستم ابتدایی مالی و پولی ویا میتوان گفت که اقتصاد بصورت اعظم نقدینه بود . دلایل عمده ریفرم واحد پولی:

چنلنچه گفته شد ریفرم واحد پولی با در نظر داشت شرایط سیاسی - اقتصادی و اجتماعی یک کشور طرح، تدوین و تطبیق میگردد . تمام کشورهاییکه ریفرم واحد پولی را در اقتصادهای ملی خویش تطبیق نموده اند، به اساس منافع ملی شان این ریفرم ها را طرح ، تدوین و تمرین کرده اند. شاید بتوان گفت که بیشتر ممالک جهان در تطبیق ریفرم واحد پولی خویش نقاط مشترک داشته اند .

بطور نمونه، میتوان دلایل عمده اصلاح واحد پولی در کشور های جهان را در زیر مختصراً عنوان کرد:

- نقطه پایان به انفلاسیون لگام گسیخته موجود: به آن دسته کشورهایی ارتباط میگردد که از نرخ بلند انفلاسیون رنج میبرند. بناً کشور ها تلاش میدارند تا از طریق اصلاحات واحد پولی از تاثیرات ناگوار روانی انفلاسیون جلوگیری کرده و اعتماد سازی بیشتر را در اقتصاد های خویش ترویج نمایند .

- خنثی ساختن تاثیرات منفی تورم پولی گذشته: به کشورهای ارتباط دارد که در گذشته از تاثیرات منفی تورم پولی بلند صدمه دیده اند، یگانه علاج اقتصادی برای این کشورها معرفی واحد جدید پولی یا اصلاح واحد پولی میباشد .

- دلایل اقتصادی به اساس تیوری مساعد ساحه پولی : در این اواخر دلایل اقتصادی نسبت به دیگر دلایل بیشتر در معرض توجه پالیسی سازان اقتصاد کلان قرار گرفته است . بخصوص ، نرخ بلند تورم پولی که سریعاً سبب کاهش قوه خرید پول میگردد . در این قسمت میتوان معرفی واحد پولی اروپا یا (واحد پولی یورو) را نام برد .

تجارب بین المللی اصلاحات پولی:

کشورهای ارجنتاین، برازیل و ترکیه در سالهای قبل از تطبیق ریفرم واحد پولی خویش از نرخ بلند انفلاسیون رنج میبردند، زیرا که ارزش حقیقی واحد پولی رایج کشور های فوق الذکر بصورت سریع کاهش نموده و این پدیده بالنوبه مستهلکین، سرمایه گذاران، مؤلدین و دیگر سکتورهای اقتصادی را متضرر ساخته بود. بصورت مشخص، انفلاسیون لگام گسیخته در کشور های ذکر شده سبب بی ثباتی اقتصادی و بی نظمی اجتماعی گردید. در آخرین تحلیل، کشور های فوق الذکر تصمیم اتخاذ نمودند که یگانه راه خروج از بحران و بی نظمی پولی، ریفرم واحد پولی میباشد. از همین لحاظ، کشورها ریفرم پولی را به حیث یگانه وسیلهً احیاً مجدد اقتصاد کلان بکار گرفته و تطبیق نمودند. افزود براین، بسیاری کشورها پول های ملی خویش را

توسط حذف صفر ها اصلاح نموده اند که به ساده گی میتوان استنباط کرد که عملیه اصلاحات پولی توسط پروسه حذف صفر ها بخاطر تاثیرات بالای نرخ مبادلهً اسعار و یا بالای نرخ تکتانه نبوده، بلکه صرف برای فراهم نمودن سهولت بیشتر برای مردم و ثبات اقتصاد کلان وضع میگردد. نشر واحد های پول جدید در این کشور ها بصورت کلی موازی با یک برنامهً ثبات سازی اقتصاد کلان بوده که عموماً منتج به پائین آوردن نرخ انفلاسیون یا تورم پولی، رشد پایدار اقتصادی و ثبات نرخ مبادلهً اسعار میگردد .

کشورهاییکه از اثر تورم بلند پولی بلند دست به چاپ و نشر پول های ملی با ارزش بلند زده بودند اسمی بلند پولهای ملی خویش گردیده بودند صرفاً صفر های متعدد را از پول خویش حذف و صرف کلمهً کوچک جدید را قبل از نام پول نو اضافه کردند، مانند: ترکیه در سال ۲۰۰۵ میلادی. از جانب دیگر کشور های که مکلف به حذف صفر ها بطور مکرر از اثر انفلاسیون بیش از حد میگردد ترجیح میدهند تا نام دیگری را برای پول خود انتخاب نمایند تا از اشتباهات میان واحد های پول جدید و پول کهنه جلوگیری گردد . ما اینجا به طور نمونه از سه کشوری که در آن اصلاحات پولی بر اساس حذف صفر ها صورت گرفته است، متذکر میشویم:

1) ترکیه ۶ صفر را حذف کرد

2) برازیل ۱۸ صفر را در ۶ مرحله حذف کرد

3) ارجنتاین ۱۳ صفر را در ۴ مرحله حذف کرد

کشورهای فوق الذکر پلان های اصلاح واحد پولی خویش را بصورت دقیق طرح، تدوین و تطبیق نموده و با وضع سیاست های محتاطانهً مالی و پولی و تجارتی در صدد ایجاد ثبات اقتصاد کلان شده و پنداشتند که در درازمدت نیاز به حذف صفر ها نخواهد بود .

چون اصلاح واحد پولی ترکیه نقاط بسیار مشترک با اصلاحات واحد پولی افغانستان دارد، از اینرو میتوان اصلاح واحد پولی ترکیه را بطور نمونه در زیر بیان داشت .

تطبیق اصلاحات پولی در ترکیه

لیره ترکی با واحد اسمی بزرگی که در جهان پیشینی نشده بود چاپ و نشر گردید که از رهگذر همین ارقام بلند با مشکلات جدی مواجه گردید که همین امر سبب شد تا این کشور اصلاح پولی را روی دست گیرد و به همین منظور اسم لیره به اسم جدید لیره جدید ترکی " (YTL) تغییر نمود که از اول جنوری سال ۲۰۰۵ میلادی در چلند یا دوران اقتصادی قرار گرفت. قابل ذکر است که در سال ۲۰۰۷ میلادی شورای وزیران حکومت ترکیه پیشوند جدید را از واحد لیره

کاغذی و کوروس فلزی آن حذف نمود.

از سال ۱۹۷۹ الی سال ۲۰۰۲ میلادی بانک مرکزی ترکیه تمام انواعیه بانکنوت های لیره ترکی مشتمل بر ۱۰ (ده)، ۱۰۰ (صد)، ۵۰۰ (پنجصد)، ۱۰۰۰ (یکهزار)، ۱۰۰۰۰ (ده هزار)، ۲۰۰۰۰ (بیست هزار)، ۵۰۰۰۰ (پنجاه هزار)، ۱۰۰۰۰۰ (یکصد هزار)، ۲۵۰۰۰۰ (دوصد و پنجاه هزار)، ۵۰۰۰۰۰ (پنجصد هزار)، ۱۰۰۰۰۰۰ (یک میلیون)، ۵۰۰۰۰۰۰ (پنج میلیون)، ۱۰۰۰۰۰۰۰ (ده میلیون) و ۲۰۰۰۰۰۰۰ (بیست میلیون) را عرضه و در دوران قرار داد .

در جریان سال ۲۰۰۵ بانکنوت ها و سکه های لیره ترکی و لیره جدید ترکی همزمان در دوران اقتصادی در چلند بودند. لیره سابق ترکی بتاريخ اول جنوری سال ۲۰۰۶ میلادی جمع آوری و از دوران اقتصادی خارج گردید. دوران همزمان لیره جدید و لیره ترکی در طول سال ۲۰۰۵ میلادی مدت یک سال بخاطری تعیین گردید که شهروندان ترکیه وقت کافی در اختیار داشته باشند تا بانکنوت های کهنه خود را با بانکنوت های لیره جدید ترکی تعویض کنند .

پالیسی سازان اقتصاد کلان ترکیه هم مانند افغانستان اصلاح بانکنوت ها و مسکوکات شان را از طریق حذف صفر ها عملی نمودند . یعنی نرخ مبادله بین لیره ترکی و لیره جدید ترکی چنین تعیین گردیده بود :

1 یک میلیون ۱۰۰۰۰۰۰ لیره ترکیه مساوی بود با یک لیره جدید ترکی. به عبارت دیگر شش (۶) صفر واحد پول ترکی حذف شد. مثلاً: ۲۰۰۰۰۰۰۰ (بیست میلیون) لیره سابق ترکی مساوی بود با ۲۰ لیره جدید ترکی که دارند عین قوه خرید بود .

دلایل ریفرم پولی در افغانستان:

تطبیق ریفرم پولی در افغانستان بنا بر دلایل نسبتاً متفاوت صورت گرفته است. یعنی تمام مردم افغانستان در هر گوشه و کنار این سرزمین انتظار چنین روزی را داشتند تا یک واحد پولی ملی داشته باشد. بناً جمهوری اسلامی افغانستان بمنظور تأمین ثبات سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی برنامه تعویض پول های افغانی کهنه را به پولهای افغانی نو روی دست گرفت. این برنامه عمداً بنا بر نیاز مندی های ذیل صورت گرفت.

1) نشر واحد پول ملی (افغانی) که باید رسماً توسط دافغانستان بانک چاپ و نشر میگردد.

2) واحد پول ملی (افغانی) بود که شماره مسلسل بلند داشت و صرف در یک ساحه مشخص قابل چلند بود.

3) نوع سوم آن پول افغانی غیر متمرکز بود که از سوی دافغانستان بانک به چاپ و نشر نمیرسید و صرف در یک ساحه مشخص قابل چلند بود.

موفقیت پروسه تطبیق ریفرم واحد پولی افغانی سهم فعال مردم و دولت در سطوح مختلفه بوده است.

ادامه دارد

کاهش ارزش دالر،

نگرانی ها، تدابیر و اقدامات

شفیق الله بارز



نمایند که این روند دالر را در آستانه بحران شدید قرار داد، حتی تا جائیکه در سال ۱۹۸۰ میلادی، بین جاپان در اکثر کشورهای جهان منحصیث ارز بین المللی مورد استفاده قرار میگرفت اما با رویکار شدن بحران سال ۱۹۹۰ میلادی در جاپان مرحله استفاده از این جاپان نیز به پایان رسید که با اینحال ایالات متحده امریکا با تدبیر عاقلانه یی داخل مذاکره با عربستان سعودی شده و موافقت پترو دالر را باهم امضا نمودند که بر مبنای آن عربستان سعودی که بزرگترین تولید کننده نفت اوپک است قیمت گذاری نفت خود را به دالر آغاز نمود که این همکاری عربستان سعودی به ایالات متحده امریکا در واقع یک بار دیگر تثبیت کننده جایگاه دالر منحصیث ارز بین المللی واقع شده و دالر را از دام بحران نجات داد. اما دالر بازم پس از سه دهه سلطه جهانی در اثر نوسانات در بازار های مالی در سال ۲۰۰۷ میلادی که با از هم پاشیدن بازار مسکن

در بازار های بین المللی مالی برای سهولت هر چه بیشتر داد و ستد های مالی و تجاری، موجودیت یک ارز جهانی یک امر حتمی پنداشته میشود، که با استفاده از آن اکثر معاملات تجاری بین المللی صورت گرفته و یک قلم مهم و اولیه ذخایر ارزی کشورهای جهان را تشکیل میدهد.

در جولای سال ۱۹۴۴ میلادی نمایندگان از ۴۴ کشور جهان گرد هم آمدند تا طی کنفرانسی بنام بریتون و دز (Bretton Woods) که در ایالات متحده امریکا تدویر یافته بود، برای تثبیت شرایط اقتصادی و سیاسی اقدام نمایند که در نتیجه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را ایجاد نمودند و در ضمن دالر امریکایی را منحصیث ارز بین المللی با قیمت ثابت ۳۵ دالر در برابر یک اونس طلا پذیرفتند. این نظام پولی که بنام Bretton Woods Gold Exchange مشهور است، الی سال ۱۹۷۱ میلادی ادامه پیدا کرد اما با بهبودی اقتصاد جاپان و اروپای غربی ایالات متحده امریکا در صحنه یی بین المللی با دو رقیب سر سخت مواجه شد و از طرف دیگر جنگ پر مصرف ویتنام برای امریکا اثرات منفی را بالای اقتصاد این کشور وارد نمود که این روند سیستم ثابت دالر در مقابل طلا را به سیستم شناور تبدیل نمود. پایان دوره بریتون و دز باعث ایجاد تورم در دهه ۷۰ و کاهش شدید ارزش دالر در جهان گردید که این موضوع سبب شد تا بسیاری از کشورهای عضو اوپک، فروش نفت خود به دالر را توقف داده و آنرا بر مبنای سبدی از ارز های مختلف قیمت گذاری

د ایالات متحده امریکا آغاز شد، جهان را به یکی از بی سابقه ترین بحران های مالی مواجه ساخت و اقتصاد ایالات متحده امریکا را شدیداً متأثر ساخت که این روند جذابیت دالر را در بازار های جهانی که سالها بخش عمده ذخایر ارزی کشور ها و معاملات بازار های جهان را تشکیل میداد، کمرنگ ساخت. تشدید نگرانی ها مبنی بر تداوم اثرات منفی بحران مالی در امریکا و عدم خوشبینی نسبت به بهبود وضعیت اقتصادی در این کشور بین سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ میلادی خروج سرمایه های خارجی در این کشور را بیشتر ساخت، طوریکه مجموع فرار سرمایه های خارجی در امریکا به بیشتر از ۱۰۰ میلیارد دالر میرسد. چین به عنوان بزرگترین سرمایه گذار خارجی در امریکا پس از بحران مالی اخیر، مجموع سرمایه گذاری هایش به ایالات متحده امریکا را با کاهش ۵۲.۱ میلیارد دالر به ۶۷۷.۴ میلیارد دالر رساند. جاپان نیز که دومین سرمایه گذار خارجی در امریکا است، با خروج ۴۳.۶ میلیارد دالر از سرمایه هایش در امریکا، دارایی های خود در این کشور را به ۱۷۱.۸ میلیارد دالر کاهش داد. به همین ترتیب انگلستان و روسیه نیز به نوبه خود ۵۰.۲ میلیارد دالر و ۴.۶ میلیارد دالر از سرمایه گذاری های خود در این کشور را کاسته و مجموع دارایی های شان در این کشور را به ۴۱۲ میلیارد و ۹۹۱۱ میلیارد رساندند.

به گزارش یک مقام بانک مریل لینچ کشور های در حال رشد، جایگزینی دالر با ارز دیگری محتمل است، زیرا از ماه مارچ سال ۲۰۱۰ میلادی بدینسو هر ماه ۳۰ میلیارد دالر از

سوی این کشور ها به ارز های دیگر (اغلباً یورو، فرانک سویس و ین جاپان) تبدیل شده است و بنابر برنامه جدید بانک مرکزی ایران، قرار است هفت نوع ارز شامل ین جاپان، وون کره جنوبی، لیره ترکیه، روبل روسیه، روپیه هند، یوان چین و یورو را جایگزین دالر گردد. به همین ترتیب عکس العمل کشور های چین، روسیه، هند و کشور های شرق آسیا در برابر موقعیت متزلزل دالر در معاملات جهانی جدی تر است. "رئیس جمهور روسیه طی مصاحبه بی با روزنامه کوریا دلا سرا چنین تصریح کرد: سیستم دالر و یا سیستم هایی که بر اساس دالر پایه گذاری شده اند، ضعیف و آسیب پذیر ثابت شده اند و از طرف دیگر جایگزینی دالر طی مدت کوتاه متصور نیست اما وابستگی به این ارز نگران کننده است و پیشنهاد میشود تا ذخایر ارزی منطقه بی تشکیل شود. از طرف دیگر سورش تندولکار مشاور ارشد اقتصادی نخست وزیر هند میگوید: کشور های مختلف جهان باید ترکیب نگهداری ذخایر ارزی خود را تغییر دهند و از وابستگی به دالر و عواقب ناگوار آن نجات یابند و به همین ترتیب رئیس صادرات و واردات چین تاکید کرده میگوید: بحران مالی تاثیرات منفی شدیدی بالای اقتصاد جهانی متمرکز به دالر امریکایی داشته است و جهان باید به فکر جایگزین مناسبی برای دالر باشد، حتی اگر این روند سالها به طول بیانجامد. از طرف دیگر بانک مرکزی چین تاکید کرد: ما به دنبال بین المللی کردن یوان هستیم و پیشنهادات زیادی را به کشور های مختلف ارائه کردیم تا مبادلات تجاری را بر مبنای آن انجام دهیم. بانک مرکزی چین

یادآور شد: حدود ۷۰ درصد ذخایر ارزی چین دالر امریکایی است و چنین به شدت نگران کاهش ارزش دالر و تاثیر منفی آن بر ذخایر ارزی خود است." این واکنش ها زمانی صورت میگیرد که انجمن بین المللی (Swaps a& Derivatives) جهت اصلاحات و سهولت در داد و ستد های مالی و تجاری، معیار جدیدی را تحت عنوان Credit Support Annex (CSA) مورد تصویب قرار داده که در آن پنج ارز (دالر امریکایی، یورو، پوند استرلنگ، ین جاپان و فرانک سویس) برای اجرای معاملات جهانی در نظر گرفته شده است، اما موجودیت دالر در این سبد باهم نگرانی کشور های جهان اکثراً کشور های آسیایی را برانگیخته و این حرکت اقتصادی را مثبت ارزیابی نمیکنند. از طرف دیگر آقای مارتین فلدسپین پروفیسور اقتصاد در پوهنتون هارورد امریکا، کاهش ارزش دالر طی چند سال آینده را با در نظر داشت چند دلیل پیش بین شده است که این موضوع بدون شک موقوف دالر منحنی ارز بین المللی را زیر سوال می برد.

نخست اینکه سرمایه گذاران جهانی در سبد دارایی های شان کمتر طرفدار دالر امریکایی هستند. او میگوید "من با سران سرمایه گذاری در کشور های آسیایی، شرق میانه و سایر کشور ها دیدن نموده ام، آنها میخواهند ذخایر ارزی خود را با چند ارز نیرومند مثل: یورو، پوند، ین جاپان، فرانک سویس و یوان چین تشکیل دهند، اما با رویکار آمدن بحران یونان نقش یورو در سبد ارزی این کشور ها نسبتاً



قرضوی ایالات متحده امریکا را خریداری نکند، این درحالیست که تا الحال یکی از قرضه دهندگان بسیار بزرگ ایالات متحده امریکا بابت خریداری اوراق قرضه، چین میباشد. حال اگر بر مبنای پلان جدید و تغییرات در روند پس انداز ها و سرمایه گذاری، این کشور دالر را برای سرمایه گذاری در اوراق قرضه خریداری نکند، بدون شک ارزش دالر کاهش می یابد.

با در نظر داشت تمام موارد فوق (کاهش پی در پی ارزش دالر) و دوام آن طی چند سال آینده، موقف دالر در بازار های جهانی متزلزل گردیده و کشور های جهان را وادار ساخته است تا مبنی بر جایگزینی آن با ارز های دیگر تصمیم بگیرند.

منابع:

ماهنامه Asia Risk، دسمبر ۲۰۱۱

مجله بانک تصفیه و تسویه بین المللی-

شماره ۵۹ نوشته مارتین فلدستین پروفیسور

اقتصاد پوهنتون هارورد امریکا

شبكة تحلیل گران تکنالوژی ایران ۲ فبروری

۲۰۱۲

<http://www.rajanews.com>

فبروری ۲۰۱۲

<http://en.Wikipedia.org/World>

Currency ۲ فبروری ۲۰۱۲

سایت فارسی بی بی سی مورخ ۱۲ فبروری

۲۰۱۲

است)، سویزرلند با داشتن ۸۰ میلیارد دالر مازاد و به همین ترتیب سایر کشور های آسیایی چون: سنگاپور، تایوان و کوریای جنوبی جمعاً با داشتن بیشتر از ۱۰۰ میلیارد دالر مازاد میتوانند رقبای سرسخت دالر باشند. در آخرین تحلیل کسر حساب جاری ایالات متحده امریکا در مقابل مازاد حساب جاری سایر کشور های متذکره بدون شک ارزش دالر را کاهش میدهد.

بالاخره دلیل سوم که سبب کاهش ارزش دالر میشود، تصمیم جدید چین مبنی بر افزایش هزینه های مصرف کنندگان داخلی خواهد بود. با وجودیکه رشد سریع و چشمگیر اقتصاد چین باعث رشد معیار های زندگی خانواده ها در این کشور شده، اما هزینه مصرف کنندگان به تناسب رشد محصول ناخالص داخلی افزایش نداشته است، بدین ملحوظ دولت چین طی دوازدهمین پلان ستراتیژیک ۵ ساله خود افزایش هزینه مصرف کنندگان را در اولویت های کاری خود قرار داده، که این حرکت چین بالمقابل باعث کاهش پس انداز های ملی که برای سال جاری حدوداً ۵۰ فیصد محصول ناخالص داخلی تخمین شده است، میشود. زیرا مازاد حساب جاری هر کشور مرزیست بین پس انداز ها و سرمایه گذاری های ملی آن که در حال حاضر پس انداز های چین باعث رشد چشمگیر سرمایه گذاری ها و مازاد حدود ۳.۵ فیصد حساب جاری این کشور شده است.

حال اگر پس انداز های ملی چین به اندازه ۴ فیصد محصول ناخالص داخلی کاهش یابد، مازاد حساب جاری این کشور به کسر تقرب کرده و در نتیجه سبب میگردد که چین اسناد

کمرنگ شد که در نتیجه ارزش یورو قسمماً کاهش یافت اما سرمایه گذاران به زودی دریافته اند که بحران یونان ناشی از یورو نه بلکه بدهی گسترده این کشور باعث بحران بوده است، بناً ارزش یورو یک بار دیگر رو به افزایش نهاد و نرخ مبادله ای آن از ۱.۳۵ دالر فی یورو به ۱.۵۰ دالر افزایش یافت."

دلیل دومی که ارزش دالر طی چند سال آینده سیر نزولی خواهد داشت، کسر حساب جاری ایالات متحده امریکا است، طوریکه در جریان یک سال اخیر کسر تجارت کالاها در این کشور به ۶۸۰ میلیارد دالر میرسد که این رقم بیشتر از ۴ فیصد محصول ناخالص داخلی آنرا تشکیل میدهد. کاهش کسر حساب جاری ایالات متحده امریکا فقط از طریق کاهش ارزش دالر در مقابل سایر ارزها صورت پذیر است.

در این قسمت سوالی مطرح میشود که اگر ارزش دالر کاهش یابد، ارزش کدام ارزهای دیگر میتواند در رقابت با دالر افزایش یابد؟ در اینجا یورو بازم در رده اول قرار میگیرد، زیرا حوزه یورو با داشتن بازار بزرگ سرمایه و کسر حساب جاری ۱/۲ فیصد محصول ناخالص داخلی، این کشورها میتوانند یک رقیب خوب دالر باشد. از طرف دیگر یک تعداد کشور های دیگر با داشتن مازاد حساب جاری ادعا دارند که آنها ظرفیت کافی برای افزایش ارزش پول خود دارند، به گونه مثال چین با داشتن ۳۰۰ میلیارد دالر مازاد، جاپان با داشتن حدود ۲۰۰ میلیارد دالر مازاد (که همین مازاد، با وجود مشکلات در ساحه اقتصادی این کشور باز هم باعث افزایش ارزش ین شده

په اداره کې د مالي مدیر بنسټيزې

بوختياوې



د مالی لوی آمریت مرستیال نصرالله ذرانی

ادارې پراختیایي بودیجه باید د اصولو او مقرراتو مطابق په بشپړ ډول په مصرف ورسیري.

Major Investment and 2Financing decisions .

مهم پانگیز او تمویلي تصمیمونه:

د اور مهاله پلانونو د عملي کولو له پاره ملي امکاناتو ته ډیره زیاته اړتیا لیدل کیږي، له همدې امله د ادارې مالي مسوولین باید لومړی خپل د پانگې اړتیاوې معلومې کړي او وروسته بیا د پانگې د سرچینو د معلومولو له پاره څیړنه تر سره کړي هر کله چې یې خپلې اړتیاوې معلومې کړي او ورته یې لازمي سرچینې وموندلې نو پر همدې وخت مالي مسوول د نورو څانگو سره په پوره همغږي باید په خپله (پانگه) کې د اړتیا وړ زیاتوالی راولي. تر څو د پرمختیایي خپرونو (پروگرامونو) او ودې سره مرسته

پلانونو د عملي کیدو پراختیا دا ډول همغږي گټوره ثابته شي او هر پلان د شته امکاناتو او فرصتونو په نظر کې نیولو سره جوړ شوی وی چې د عملي کیدو پر وخت یې اداره له مالي پلوه د کومې ستونزې سره مخامخ نشي. او په دې توگه دا ډول اړیکې د ادارې د هدفونو او منزل د ټاکلو او هغو ته د رسیدو په اړه ډیرې زیاتې ارزښتناکې وي ځکه چې ټولې بنکيلې خواوې له یو بل سره په مشوره او سلا کارونه تر سره کولای شي .

هره اداره ځانته د کاري لومړیتوبونو د ټاکلو او د اورد مهالو موخو د تعیین او لاسته راوړلو له پاره سټراتیژیک پلان جوړوي. مالي آمریت د سټراتیژیک پلان په رڼا کې د ټولو اړوندو ادارو لومړیتوبونه په نظر کې نیسي او د مشخصې مالي دورې له پاره خپله بودیجه ترتیبوي. په بودیجه کې باید د ادارې د اهدافو او لاسته راوړنو په نظر کې نیولو سره مالي امکانات و څیړل شي او د مصارفو د پاره تخصیص جوړ شي بیا وروسته د مالي دورې په اوږدو کې مالي مسوولین مسولیت لري چې د ادارې مصارف د بودیجې له خوا د ټاکل شویو بریدونو په چوکاټ کې وساتي. په عین حال کې د

د مالي مدیر بنسټيزه دنده د پانگې د موندلو او د هغه د په کار اچولو لپاره د مناسب پلان جوړول دي تر څو د ادارې اساسي هدفونه په اسان ډول تر لاسه شي او د ادارې د خدمتونو د وړاندې کولو/ پلورلو وړتیا زیاته شي او په عین حال کې د کارحجم یې هم زیات شي چې د گټې د زیاتیدو له لارې د کاريابې نورې زمينې هم مساعدې کړي او په ټولیز ډول د هیواد د اقتصادي نظام په قوی کولو کې د جز په توگه مثبت رول ولوبوي. که په لنډو کې ووايو نو د مالي مسوول اصلی دنده د پانگې د متبادلو سرچینو او د استعمالو د لارو د موندلو په اړه تصمیم نیول دي.

په لاندې ډول مور کولای شو چې په یوه اداره/ تشبث کې د مالي مسوول اصلي او بنسټيزي بوختیاوې و څیړو:

۱- پیشبیني او پلان جوړونه (Forecasting and Planning)

د یوې ادارې، مالي مسوول باید په خپله اداره کې له ټولو لوړپوړو او صلاحیت لرونکو چارواکو سره نیژدی اړیکې ولري تر څو د ادارې د راتلونکو پلانونو د جوړولو په برخه کې په گډه او یوږغی تصمیم ونیسي چې بشایي د ادارې د

که د بازار موندنې فعالیتونه کمزوري او بی رنگه وي نو په پایله کې به یې د پلور کچه/ د خدمتونو څرنګوالی او څومره والی تر اغیزې لاندې راشي چې مستقیماً د ادارې پر عوایدو اغیزه لري. د عوایدو لږ والی کولای شي د ادارې د پراختیایي کارونو په وړاندې خنډ شي او ورسره د شته مصارفو د پوره کولو پر وړتیا منفي تاثیر واچوي او په دې ډول ډیر ماشینونه او څانګې له فعالیتو ولویږي چې نتیجه به یې د کارکوونکو د له لاسه ورکولو په صورت کې ښکاره شي. نو له همدې امله د بازار موندنې په اړه د پالیسي جوړولو پر وخت باید د مالي څانګې مسوولین په جریان کې وي او هر لازم ګام چې پورته کيږي باید د هغوی سره په سلا تر سره شي. په ټولو کې د ادارې لڼدمهاله او اوږد مهالی اړتیاوې او د هغوی له پاره سرچینې برابرول که د یو منظم پلان له مخې د مالي مسوولینو سره په همېرغی او سلا تر سره شي، د ادارې د لاسته راوړنو کچه هم لوړولای شي او هم ورسره د ادارې موخې په لاس راوړای شي.

ګټه کې کمی راوستل شي که کومه بله لاره غوره کړل شي. او دا پانګونه باید اوږد مهاله وي که لڼد مهاله. دا ټول اړخونه باید د مالي مدیر له خوا د تصمیم نیولو پر وخت په نظر کې ونیول شي.

۳ - همېرغی او کنټرول

(Coordination and Control)

د یوې ادارې مالي مسوول باید له ټولو ښکیلو او اړوندو چارواکو سره تماس ولري تر څو اداره د شونتیا(امکان) تر بریده خپل فعالیتونه په درست ډول مخ ته یوسي. هر ډول اداري او کاروباري تصمیمونه مالي اغیزې او اړخونه هم لري. نو له همدې امله ټول مدیران باید دا ټکی په پام کې ونیسي. د بیلګې په ډول د بازار موندنې د څانګې کړنې او فعالیتونه او پریکړې د خدمتونو پر وړاندې کولو/ پلورلو باندې اغیزه لري کوم چې په پای کې پانګیزه وړتیا تر پوښتنې لاندې راولی.

وشی او د ودې ټاکل شوی هدف تر لاسه شي یوه اداره عموماً دوه ډوله فعالیتونه لري، یا خو خلکو او یا خپلو مراجعینو ته خدمتونه (چوپړتیاوې) وړاندې کوي او یا هم توکی پلوری کله چې د یوې ادارې د خدمتونو (چوپړتیاوو) د وړاندې کولو او یا هم د توکو د پلورلو کچه لوړه شي نو هله مور ویلای شو چې نوموړې ادارې وده وکړه او یا هم مخ پر ودې ده. که چیرې د یوې ادارې خدمتي یا د پلورنې فعالیتونه پراختیا و مومي نو ورسره باید نوموړی اداره د خپلو ماشینونو، سامان آلاتو، الیکټرونیکي توکو، تعمیراتو او کارمندانو تعداد زیات کړي، تر څو وکولای شي په درست ډول خپل مراجعینو/ پیرونکو ته لازمي اسانتیاوې برابرې کړي او د هغوی غوښتنو/ تقاضا ته رسیدګی وکړای شي. د لوړو خبرو په پام کې نیولو سره باید تصمیم ونیول شي چې چیرې او څنګه باید پانګه واچول شي او دا پانګونه باید له کومو سرچینو څخه تمویل شي؛ آیا دا سرچینې باید کورنۍ وي که بهرنۍ وي، پور واخیستل شي او که بسپنه شوی پیسې په کار واچول شي، د سهم لرونکو په

ارجگذاری به مقام والای زن

در د افغانستان بانک

به سالهای قبل برجسته گردیده است، زنان در پهلوی مردان کارمیکند و در تولید سهم فعال دارند، کار و فعالیت زنان در بانکداری و سیستم های مالی از ویژگی خوبی برخوردار میباشد، فیصدی قابل ملاحظه یی، زنان درسکتور بانکداری مشغول کار اند و از تسهیلات و تجارب خوبی نیز برخوردارند. در دین مبین اسلام زن، حق کار و حق تحصیل را دارا بوده از طرف خداوند امر شده تا در پهلوی مردان کار نمایند، در قانون اساسی کشور ما، هم این موضوع صراحت دارد. ◀◀

از روز جهانی زن که به روز چهارشنبه ۱۷ حوت سالروان به اشتراک رئیس کل د افغانستان بانک، محترم خان افضل هده وال و محترم الحاج محمد عیسی طراب معاونین د افغانستان بانک، محترم شکیبا نظری رئیس مطبوعاتی وزارت امور زنان، محترم شازیه درانی مسئول انجمن زنان د افغانستان بانک، تعدادی از آمرین و مسئولین دیپارتمنت ها و تعداد از کارمندان اناث د افغانستان بانک در تالار کنفرانس های د افغانستان بانک تدویر یافته بود اظهار داشته افزود که واقعاً موقف زن در جامعه بخصوص درسکتور اقتصادی نسبت

هشتم مارچ روز بین المللی در شرایطی تجلیل میشود که از بر پای اولین روز های مبارزه زنان به خاطر دستیابی به حقوق مسلم شان بیشتر از ۱۰۰ سال سپری می شود. هشت مارچ روز جهانی زن در سال ۱۹۷۷ طی تصویب سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شد. همچنان ماده ۲۲ فصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان با تساوی حقوق اساسی، وجایب و وظایف اتباع کشور اعم از زن و مرد را با صراحت کامل ضمانت نموده است. این مطلب را محترم نور الله دلاوری رئیس کل د افغانستان بانک در محفل بزرگ داشت



محترم دلاوری از اجرای وظایف زنان در افغانستان بانک قدردانی نموده و از طرف هیئت عامل د افغانستان بانک برای هر یک از کارمندان و منسوبین انانث، مبلغ ۵۰۰۰ افغانی به شکل تحفه روز زن منظور گردیده است. بعداً پیام محترم پوهنمسل حسن بانو غضنفر وزیر امور زنان جمهوری اسلامی افغانستان توسط محترم شکيلا نظری رئیس مطبوعاتی وزارت امور زنان قرائت شد. متعاقباً خانم شازیه درانی مسوول انجمن زنان د افغانستان بانک پیرامون دستاورد های این انجمن، خانم گلثوم و خانم انجنیر محرم پیرامون روز زن صحبت نمودند. همچنان ترانه یی از طرف کودکان کودکستان محل کار د افغانستان بانک در رابط به روز زن اجرا گردید. در اخیر محفل تحافی از جانب مسوول انجمن زنان د افغانستان بانک برای کودکان کودکستان د افغانستان بانک و تعدادی از مسوولین توزیع گردید. ●

و خارج کشور فراهم خواهیم ساخت. کارمندان انانث د افغانستان بانک هم با تکنالوژی معلوماتی مدرن آشنائی دارند و همه روزه وظایف شان را با سیستم های مدرن بانکی پیش می برند. کارمندان انانث بانک مرکزی در پست های مناسب و بالا در پهلوی مردان کار می کنند و در نظر است تا در ترکیب شورای عالی د افغانستان بانک که منحنیث عالیترین مرجع تصمیم گیری است تعدادی از زنان مقرر گردد. برای سهولت بیشتر در امور کاری برای اطفال خانم ها کودکستان محل کار با موجودیت معلمین مجرب فعال فعال می باشد. همچنان بخاطر مشکلات صحنی کارمندان در چوکات مدیریت عمومی خدمات کلینیک صحنی ایجاد و چند تن از دکتوران اجرای وظیفه میدارند که خانم ها و اطفال شان هم در همین کلینیک تداوی می شوند.

محترم ریس کل د افغانستان بانک در قسمتی دیگر از صحبت های شان گفت: زن مادر است و مادر در پرورش و تربیت فرزندان بالواسط اجتماع نقش ارزنده یی ایفا می کند، چنانچه گفته اند (مادر با یک دست گهواره را تکان میدهد و با دست دیگر جهان را) فرزندان همین مادران است که جهان را از نگاه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تغییر داده و تحولات سریع، چشمگیر و برق آسای امروز جهان بشری در اثر زحمات، کار و کوشش همین پرورش یافتگان مادر رونما می گردد. به همین ملحوظ است همه و همه پروده دست همین زنان اند و باید آنرا قابل قدر و ستایش دانست. محترم دلاوری افزود: اضافه تر از ۲۰٪ کارمندان د افغانستان بانک را زنان تشکیل می دهد که اکثرأ تحصیلات عالی دارند و برای متباقی هم زمینه تحصیل را در داخل



په ټولنه باندې د اقتصاد اغېزې

ننگونې له منځه لاړې شي. په هر حال که چېرې د اقتصاد او ټولني ارزښتونه او اړیکې په پام کې ونیول شي، کېدای شي چې د ټولني ټولو ناخوالو او ستونزو ته د حل لارې پیدا شي، خو ټولنه د غښتلي اقتصاد پر مټ خپلې ټولې اړتیاوې پوره کړای شي.

ټولنه د یوماشوم په څېر د خپلې مور(اقتصاد) څخه خپل صحت مومي هغه هم که په هر حال کې وي اجتماعي، سیاسي، کلتوري او یا په نورو حالاتو کې. دا چې د اقتصاد لمن ډېره پراخه ده هر کار ورته د قدر وړ دی او هر اقدام په سر سترگو قبلي، نو ځکه که یوه ټولنه وغواړي چې اقتصاد او سوداګری ته پیاوړتیا، پراختیا او پرمختګ ورکړي، اقتصاد کولای شي چې له دې کار څخه مثبت نتیجه بیرته ټولني ته انعکاس کړي او ټولنه د اقتصاد او سوداګری د پیاوړتیا، پراختیا او پرمختګ لپاره په بشپړه توګه چمتو او پر ځان بسيا کړي

څرنگه چې څرګنده ده، اقتصاد او ټولنه یوله بل سره نږدې اړیکې لري یعنی ټولنه بې له اقتصاده او اقتصاد بې له ټولني کومې موخې ته نه رسېږي، ځکه چې دا دواړه مفاهیم د انسانانو په ښه ژوند پورې اړه لري. اقتصاد هغه پیاوړې او پرمختللي قوه ده چې د ټولني په اساساتو کې نیغ په نیغه سمونې کوي او د ټولني د ژوند او بنیاد ضمانت کوي او په عامه اصطلاح د موجودو وسائلو استعمال په داسې ډول چې په هغې سره انسان تر لوړې کچې خپلې غوښتنې پوره کولای شي، اقتصاد ګڼل کېږي. طبیعي ده چې د یو ټولني پرمختګ د هغې ټولني په پیاوړي اقتصاد پورې تړلی دی، یو ټولنه هغه وخت پرمختګ او ترقي کولای شي چې ښه اقتصاد ولري که وغواړی چې یوه ټولنه د نورو پرمختللو ټولنو سره یو شان کړی، له وسه او توان څخه یې وتلای شي، خو په دې شرط چې په پیل کې د هغې ټولني اقتصادي ستونزې او





عیان الله عیان

گاونډیو هېوادونو ته ولیردوي او په بدل کې یې د خپل ژوند د بقا لپاره لومړني توکي (خوراکي مواد) راو نیسي. د خوراکي توکو د بیې زیاتوالي یو لامل هم د تېلو د بیې زیاتوالي دی، بزگر که خپل پیداوار یو څه قیمته هم وپلوري، پیسې یې بیرته د تراکتور او واټر پمپ د مصارفو د ډیروالي په وجه له گوتو وځي، چې دا ټولې ستونزې او ننگونې د یوې ټولني د پرمختگ د لارې خنډ گرځي، د هېواد اقتصاد کمزوری کوي او د سوداگرۍ کچه راټیټوي او په پایله کې د ټولني شته اقتصاد هم له شدید کمزوریدو سره مخ کوي.

ټولنه پر اقتصاد او اقتصاد پر ټولني ډېرې اغېزې لري، دا چې د ټولني اکثریت وگړي ځوانان تشکیلوي، ټولو هېوادوالو ته په ځانگړي توگه ځوانانو ته په کار ده چې دغه روانو حالتو ته د پای ټکی کېږي او د ټولني د پرمختگ او ترقي لپاره خپل اقتصاد او سوداگرۍ ته پراختیا، پیاوړتیا او پرمختگ ورکړي، خو د الله (ج) په مرسته زموږ هېواد او ټولنه د هغه هېوادونو او ټولنو په قطار کې ځای پیدا کړي چې هوسا او پرمختللی ژوند لري. ●

یواځینی لامل هم زموږ د ټولني نیمگړې مفکوره ده، هغه دا چې د سوداگرۍ برخه یې کمزورې ده، ځکه خو خلک له خپل شته اقتصادي وضعیت او روانو حالاتو لکه د خوراکي توکو او سوند موادو د بیو له لوړېدو څخه سر ټکوي.

که موږ او تاسې وگورو په افغانستان کې دم گړی د خوراکي توکو بیې ډېرې لوړې شوي دي. آیا د خوراکي توکو د بیو لوړېدل به زموږ په ټولنه منفي اغیز ولري او که مثبت؟ څرگنده ده چې منفي اغیزې لري، که په یوه ټولنه کې د خوراکي توکو او سوند موادو بیې لوړیږي، منفي اثرات یې ژور وي، خو که چېرې یوه ټولنه ډېره بیوزله او خواره وي، نو د خوراکي توکو لوړه بیه په هغې ټولني او زموږ په اقتصاد باندې خورا منفي اغیز لري. په افغانستان کې داسې بې وزله کورنۍ هم شته چې عواید یې له پنځوسو تر اويا سلنې پورې په لومړنیو توکو (خوراکي توکو) باندې مصرفیږي. ځینې داسې بیوزلې کورنۍ هم شته، چې کابو ټول عواید یې د یوې گولۍ ډوډۍ پیدا کولو ته هم کفایت نه کوي.

ځینې کسان ممکن ووايي چې افغانستان خو یو کرنیز هېواد دی، که د خوراکي توکو بیې لوړیږي نو د ټولني اکثریت یعنی بزگرانو خو به گټه کړې وي. په دې اړه باید وویل شي چې بزگر ځکه ډېره گټه نه شي کولای، چې کرنیز پیداوار یې تر اصلي مارکیټه پورې پر وخت نه رسیږي او که ورسیري نو مناسب نړیوال مارکیټونه نه لري تر څو خپل پیداوار نورو

ټولنه د اقتصاد په پراختیا او پرمختیا کې مهم رول لري او انسانانو ته د دې موقع ورکوي چې نه یوازې د خوراک، پوښاک او استوگنې په هکله فکر وکړي بلکې د ټولني د هوساینې لپاره د اقتصادي ودې ترڅنگ په نورو اړخونو لکه: کلتوري، ټولنیز او تخنیکي برخو کې هم لاسته راوړنې ولري.

پخوانیو متل کړی دی، چې خټکی له خټکي رنگ اخلي. معنی دا چې که په یوه ټولنه کې اقتصاد بڼه والی مومي، د وخت په تېرېدو سره نورو ټولنو او سیمو ته لار پیدا کوي چې له امله یې په بشپړه توگه د هېواد اقتصاد پر پښو ودریږي او ټولنه د خپل بقا لپاره هر اړخیزو فعالیتونو ته متوجي کوي.

په افغانستان کې چې کله په ستونزو، مسایلو او حالاتو خبرې کېږي نو ډېر ځله اوریدل کېږي، چې گاونډي یا نړیواله ټولنه باید داسې وکړي او هاسې وکړي. حال دا چې دا کار په خپله افغانانو او افغاني ټولني پورې اړه لري، تر کله به دا نړیوالې ټولني وي؟ همدا لامل دی چې زموږ هېوادوال د ټولني د سمون لپاره په خپلو هڅو بې باوره دي او ان په دې باندې فکر هم نه کوي، چې د وطن او ټولني د تقدیر په بدلانه کې څومره ونډه لري، دې وضعیت زموږ ټولنه تر ډېره حده غیر فعاله ساتلې او د پرمختگ بهیر یې ورټکنی کړی، اقتصادي فعالیتونه، سوداگرې، صنعت او داسې نور مسایل یې شاته پرېښودلي دي.

اوس مهال زموږ د هېواد د بدو ناوړینونو

اقتصاد جهان

که با بحران های مالی همراه باشد، بسیار پر هزینه و چالش آور میباشد. تقاضای داخلی در کشور های مرفعی اقتصادی بخصوص ایالات متحده امریکا بسیار بطنی است و با توجه به سطح بیش از حد بدهی ها در این کشور ها احتمال دارد این ضعف تا چند سال آینده هم ادامه پیدا کند. خانواده ها نیز بابت بدهی های گسترده شان دچار مشکل اند که با این حال رفع بحران و بازگشت به بهبودی به این زودی ها ناممکن به نظر میرسد. ◀◀

طی چند سال گذشته اقتصاد جهان بدتر شده است. مسئله بزرگ در حال حاضر این است که آیا ما در یک بحران کمتر آسیب پذیر که ناشی از بلند رفتن قیمت های نفت و اختلال در زنجیره عرضه بالاثر زلزله های اخیر در جاپان، قرار داریم، یا اینکه بحران شدیدی که حالت بازگشت به بهبود آن دو برابر چالش آور خواهد بود. چالش فعلی، کشور های مرفعی اقتصادی را بیشتر متأثر خواهد ساخت اما کشور های رو به رشد اقتصادی نیز از پیامد های منفی آن در امان نخواهند ماند. ما رکود های زیاد اقتصادی در کشور های رو به رشد اقتصادی را که توأم با بحران های مالی بوده است، تجربه نموده ایم که این بحران ها نسبت به سایر رکود های معمول دورانی کشور های صنعتی (کشور های مرفعی اقتصادی) متفاوت بوده است، زیرا رکودی



از نقطه نظر سیاست گذاری اقتصادی، کشور های مرفی اقتصادی به کمبود ابزار جهت فراهم نمودن بسته های محرک اقتصاد کلان قرار دارند، نرخ سیاست های پولی در این کشور ها در حداقل و یا هم نزدیک به آن می باشد، از طرف دیگر سیاست های مالی برای بیرون رفت از این مشکلات و چالش ها منابع کمی در دسترس دارد تا ثبات اقتصادی پایدار را در این کشور ها تأمین نماید.

پایامد ها برای کشور های دارای اقتصاد مرفی:

از جریان مبحث دو روزه، من دو موضوع را نگران کننده می بینم. نخست، با وجودیکه مثال های زیاد تاریخی از کاهش سیاست های مالی انقباضی تا هنوز موجود است، اما از جریان تحقیقات آقای رابرتو به نظر میرسد که آنها به افزایش فعالیت های اقتصادی نیاز مبرم دارند، بناً ما به این نتیجه میرسیم که هر آن تصمیمی که در حال حاضر در خصوص کاهش سیاست های مالی گرفته شود، سیاست های انقباضی خواهد بود. موضوع دوم، از جریان پریزنتیشن آقای ایریک بر ملا

میگردد که اکثر کشور ها فعلاً داخل رژیم "F" میگردند که در این حال سیاست های پولی در این کشور ها جای خود را به سیاست های پولی تابع خواهد داد که این روند برای آینده از بانکهای مرکزی که کنترل انفلاسیون را در اولویت های کاری خود قرار داده اند، چالش آور خواهد بود، زیرا این رژیم روند سیاست های پولی انبساطی را محدود ساخته و بالاخره باعث خطر اعتباری برای بانکهای مرکزی این کشور ها شده میتواند.

چالش های فعلی برای سیاست های مالی در جهان:

در این مورد نظریات متفاوت است، زیرا کشور هایی موجود اند که از لحاظ مالی در حالت بسیار ضعیف قرار دارند به گونه مثال یونان که حتی قادر به پرداخت بدهی های خود هم نیست. در این حال تحکیم ثبات مالی یک امر ضروری پنداشته شده و یگانه راهی که میتواند در تادیه بدهی های گسترده این کشور ها رول مؤثر داشته باشد، افزایش مالیات و کاهش هزینه ها است که این روند با توجه به تجربه بی که از کشور های رو به رشد بعد از جنگ

گرفته ایم، وقت گیر و پر هزینه خواهد بود، زیرا عین قضیه در سال ۱۹۸۰ میلادی در امریکای لاتین رخ داد که برای یک مدت طولانی ادامه پیدا کرده و هزینه هنگفتی در پی داشت، از طرف دیگر عین موضوع (پرداخت بدهی ها) در حوزه یورو نیز جریان دارد و بسیار بحرانی هم است، بخاطریکه نرخ مبادله نمیتواند مشکل عایده را حل بسازد. با آنکه بازار های مالی در این کشور ها به این موضوع پی برده اند اما با افزایش نرخ مبادله، این مشکل را بیشتر بحرانی میسازند که با این حال تنظیم تعادل اولیه با کاهش متعاقب تقاضا ممکن به نظر نرسیده و کفایت نمیکند. در حال حاضر، کاهش بدهی های عمومی یک نیاز مبرم است که این مهم از طریق اخذ قرضه بیشتر نه تنها اینکه صورت نمی گیرد بلکه مشکل بدهی را دو برابر خواهد ساخت، زیرا بدهی های قبلی را نمیتوان با اخذ بدهی جدید تصفیه نمود و اگر چنین شد این بار مراجع قرضه دهنده به این کشور ها نیز باید تقبل خساره نمایند. برای رفع بدهی های گسترده حوزه یورو باید داخل مرحله



جدید شد، اصلاحات در خصوص سیاست های مالی وارد کرده و مشارکت در بخش خصوصی را باید بیشتر تقویت کرد. باید خاطر نشان نمود، به هر اندازه که موضوع بحران حوزه یورو به تعویق افتد و تصامیم جدی جهت رفع آن در نظر گرفته نشود، مشکل این کشور ها پیچیده شده و به یک بحران جدی تبدیل خواهد شد که آنوقت نه تنها کشور های مقروض باید غرامت بپردازند، بلکه احتمال سرایت این بحران به تمام کشور های حوزه یورو امکان پذیر خواهد بود که همه قربانی این بحران شده و ناخود آگاه به کام این هیولا فرو خواهند رفت.

با اشاره به مبحث گیلر موکلو موقف مالی اکثر کشور های جهان مستلزم فعالیت های اقتصادی و پالیسی های بازار است، به این معنی که رشد کمتر اقتصادی باعث وخامت بیشتر موقف مالی یک کشور شده میتواند. خرید بدهی های عامه و یا حتی دارایی های سمی در شرایط نورمال جزء از سیاست های پولی یک بانک مرکزی نیست، بلکه بانکهای مرکزی موظف اند تا نقدینگی بانک را در بدل تضمین های خوب و قابل اعتبار فراهم نموده و عملیات بازار آزاد را عاری از خطرات اعتباری راه اندازی نمایند، اما در حالات اضطراری خرید دارایی های سمی (مخاطره آمیز) و یا اجرای قروض در بدل این دارایی ها از

طرف بانکهای مرکزی صورت میگیرد، در حالیکه این دارایی ها خطرات زیادی را با خود به همراه خواهد داشت که نباید نادیده گرفته شود.

یکی دیگر از چالش ها فرا راه سیاست های مالی کشور های مترقی اقتصادی، تغییرات در روند اقتصادی جهان است که ثبات مالی این کشور ها را متأثر خواهد ساخت. در رابطه به این موضوع مثالی را که ناشی از این تغییرات در روند موقف مالی این کشور ها است در نظر میگیریم: فرض کنید که جهان به توازن مجدد مالی ضرورت دارد، در این حال ارزش ارز کشور های رو به رشد اقتصادی و صادرکنندگان کالاها و اجناس همچنان نرخ تکتانه افزایش خواهد یافت که در نتیجه تقاضای کمتری برای خریداری بدهی های کشور های مترقی اقتصادی خواهد بود.

حال شما چه فکر میکنید؟ بدهی های کشور های مترقی اقتصادی را کی خواهد خرید؟ و نرخ بلند تکتانه چه پیامد هایی را بالای ثبات مالی جهان وارد خواهد کرد؟ با توجه به موارد فوق، چالش ها برای سیاست های مالی کشور های مترقی اقتصادی بیش از حد موجود است و در عین حال راه های حل بسیار ضعیف جهت رفع بدهی های عامه در این کشور ها روی دست قرار دارد و در صورتیکه این

موضوع جدی گرفته نشود، باعث فاجعه اقتصادی برای تمام کشور های جهان خواهد شد.

پیامد ها برای کشور های در حال رشد:

اگر واقع بینانه صحبت شود، سیاست های مالی در کشور های در حال رشد نسبت به کشور های صنعتی (کشور های مترقی اقتصادی) به مراتب سالم و معقول تر است. با این همه، هنوز هم ضعف هایی در روند سیاست های مالی موجود است که آن هم ناشی از بحران مالی اخیر در جهان میباشد که کشور های رو به رشد اقتصادی را نیز متأثر ساخت، این در حالیست که یک تعداد کشور های دیگری که در هر حال دارای سیاست های معقول مالی بوده و هستند مثل چلی که حدود ۲۰ سال میشود با بکارگیری سیاست های معقول مالی از رشد اقتصادی کشور خود سود می برد.

کشور های رو به رشد اقتصادی با وصف مشکلات و چالش ها فرا راه تطبیق پالیسی های معقول مالی که سالیان زیادی با آن مواجه بوده و حتی گاهی باعث روی کار شدن رکود های شدید اقتصادی نیز شده، توانسته اند طی سالهای اخیر با رشد چشمگیری در عرصه سیاست های مالی دست یازند. قبول میکنیم که بعضی از کشور های امریکای لاتین مثل سیسپیدیس و ویلاسکو در گذشته حتی ◀

بنام کشور های مصرفی نیز شهرت یافته بودند، اما امروز حد اقل توانسته اند تا از افزایش قیمت کالاها و اجناس بکاهند.

در جریان بحران مالی، سیاست مالی انبساطی روی کار شد که این روند یکجا با سیاست پولی انبساطی کشور های رو به رشد اقتصادی را کمک نمود تا اثرات ناگوار بحران در این کشور ها را کمتر ساخته و باعث رشد زود هنگام این کشور ها گردد.

چالش های فعلی برای سیاست گذاران در کشور های رو به رشد اقتصادی این است که چگونه میتوانند به رشد سریع اقتصادی در کشور های خود با توجه به ورود سرمایه در بازار های این کشور ها و تحت فشار بودن پول ملی شان نائل آیند. از نقطه نظر سیاست گذاری های مالی این امر مستلزم دست کشیدن از سیاست های مال انبساطی میباشد که این امر مهم تا هنوز آنطوریکه باید عملی شود، صورت نگرفته است. برای اینکه سیاست های مالی را بیشتر انعطاف پذیر ساخته باشیم، پیشنهاد میشود که مصارف آتی دولت باید از طریق تثبیت کنندگان خود کار (Automatic Stabilizers) اجرا شود.

با در نظر داشت وخامت اوضاع اقتصادی جهان، بسته های محرک بیشتر اقتصادی کلان نیاز است تا اقتصاد جهان را از بحران نجات دهد، اما با توجه به تعدیل جزئی که پس از بحران مالی جهان در خصوص سیاست های مالی صورت گرفته است، تحقق آنرا قسماً محدود میسازد.

جوزدی گریگوری، رئیس بانک مرکزی چلی

منبع: مجله بانک تصفیه و تسویه بین المللی

ترجمه: شفیق الله بارز



مروری بر رشد تولید ناخالص داخلی

افغانستان از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۸۹

افغانی و در اول سال سپرده های بانکی، ۲۰ فیصد را تشکیل و در آخر سال مذکور به ۲۱ در صد افزایش یافت. از جانب دیگر عرضه پول در بازاری همین سال در حدود ۹۰ میلیارد افغانی محاسبه گردیده بود اما در آخر سال با رشد ۲۹ فیصد به ۱۱۵ میلیارد افغانی افزایش یافت. رشد اقتصادی افغانستان در سال ۱۳۸۷ حدود ۳.۴ درصد تخمین گردید، رشد اقتصادی سال ۱۳۸۷ نسبت به سال ۱۳۸۶ سیر نزولی اش را پیمود که علت آن کاهش محصولات زراعتی بوده، سکتور خدمات که در تولید ناخالص داخلی رول اساسی دارد در سال ۱۳۸۷-۴۴.۹ درصد

شروع باران های بهاری چنین پیشبینی گردید که در جریان سال ۱۳۸۶ رشد اقتصادی بالا رفته و میزان رشد واقعی کشور به ۱۱.۵ درصد و میزان تورم پولی به ۱۲.۵ درصد و عاید سرانه مردم به ۴۲۹ دالر افزایش خواهد یافت. تورم پولی از ابتدای سال ۱۳۸۶ تا ماه حوت همین سال سیر صعودی اش را پیموده و به ۲۰ فیصد بالغ گردید، نرخ مبادله افغانی در سال ۱۳۸۶ بر اساس مجموع سپرده های بانکی به افغانی ۷۰۷ میلیارد افغانی بود، در ضمن مجموع سپرده های بانکی به اسعار خارجی در آغاز همان سال حدود ۳۱.۵ میلیارد افغانی بود که در آخر همین سال با رشد ۴۷ فیصد بر ۴۶.۴ میلیارد

رشد اقتصادی افغانستان به علت خشکسالی و رشد بطی سکتور زراعت با وجود اینکه بخش زراعت یکی از سکتور های مهم سال ۱۳۸۵ بشمار میرفت به ۷.۵ در صد کاهش یافت، اما عاید سرانه مردم به ۳۰۶ دالر امریکایی افزایش و در بازار های مالی جهان ارزش افغانی در برابر دالر امریکایی نسبت به سال ۱۳۸۴ به ۰.۳۶ در صد و در برابر یورو نسبت به سال ۱۳۸۴-۱۱.۱۱ درصد کاهش یافت. در سال ۱۳۸۵ تا حدی میزان تورم از ثبات کافی برخوردار بود، در همین سال نرخ تورم ۴.۸ در صد پایین آمده است، در حالیکه در سال ۱۳۸۴ نرخ تورم ۹.۵ درصد بود. در سال ۱۳۸۶ رشد اقتصادی افغانستان با

چشمگیری داشت بناً این امر مورد بازنگری قرار گرفت و به ۲۱.۹ درصد رسید و با روند مثبت تورم پولی در کشور میزان پول احتیاطی در همین سال ۱۹.۷ بود. روز یکشنبه ۱۶ دلو سال روان وزیر مالیۀ افغانستان بودجه مالی سال ۱۳۹۱ را به مجلس سنا و به روز دوشنبه ۸ ماه حوت سال روان آنرا به مجلس نمایندگان جهت تأیید ارایه کرد، مصارف نه ماهه دولت افغانستان بر بنیاد طرح بودجه ملی در سال ۱۳۹۱ از اول ماه حمل تا آخر ماه قوس برای مدت نه ماه ۲۲۴ میلیارد و ۵۰۰ ملیون افغانی که معادل ۴.۸ میلیارد دالر امریکایی میشود، که ۱۱۰ میلیارد و ۲۰۰ ملیون افغانی آن در بخشهای توسعه ای و ۱۳۴ میلیارد افغانی دیگر آن در بودجه عادی به مصرف می رسد، قرار اظهار وزیر مالیه در بودجه توسعه ای سال ۱۳۹۱ - ۴۰ درصد نسبت به سال ۱۳۹۰ افزایش بعمل آمده است، قابل یاد آور است که رشد اقتصادی افغانستان در سال ۱۳۹۰ - ۷.۴ درصد بوده و بر اساس پیشبینی های وزارت مالیه، رشد اقتصادی افغانستان در سال ۱۳۹۱ بیشتر از رشد اقتصادی سال ۱۳۹۰ خواهد بود که سبب کاهش فقر و تنگدستی مردم خواهد گردید. ●

عبدالحفیظ شاهین

افزایش بارندگی در سال ۱۳۸۸ اقتصاد کشور حدود ۵۰ فیصد رشد را نشان می داد و همچنان رشد نهایی میزان پول احتیاطی سال ۱۳۸۸ - ۱۷.۱ فیصد بود. در ابتدای سال ۱۳۸۸ مجموع پول در گردش حدود ۷۷ ملیون افغانی و سقف رشد پول در جریان در همین سال ۱۶ فیصد تعیین گردیده بود اما بر اثر تداوم روند منفی نرخ تورم پولی در کشور در ماه همین سال، این سقف مورد بازنگری قرار گرفت و در حدود ۲۲ فیصد افزایش و از ۷۷ میلیارد افغانی تا حدود ۹۴ میلیارد افغانی رسید. رشد اقتصادی افغانستان در سال ۱۳۸۹ حدود ۸.۲ درصد برآورد شده و علت آن هم افزایش رشد سکتور زراعت در همین سال بیان شده است، سکتور های مهم اقتصادی در همین سال عبارت از سکتور زراعت که حدود ۲۳.۹ درصد، سکتور خدمات ۵۰.۱ درصد و سکتور صنعت ۲۳.۹ درصد تخمین شده بود. طوریکه قبلاً هم یاد آوری گردید یکی از مهمترین ابزار سیاست پولی بخاطر کنترل پول در جریان، فروش اسعار خارجی است که درین راستا در همین سال د افغانستان بانک حدود ۱.۴۸۲.۵۲ ملیون دالر امریکایی و حدود ۱۸۸.۴۵ ملیون یورو را بفروش رسانیده است. میزان سقف رشد پول احتیاطی در آغاز سال ۱۳۸۹ - ۲۳ فیصد تعیین گردیده بود اما در نیمه همین سال میزان پول احتیاطی افزایش

تولید ناخالص داخلی را میساخت. تورم پولی در نیمه اول سال ۱۳۸۷ بالا تر از ۳۰ فیصد بود اما بعد از ماه میزان سال مذکور نرخ تورم سیر نزولی خود را پیموده و در ماه حوت همین سال به ۳.۲ فیصد کاهش یافت. بانک مرکزی افغانستان در سال ۱۳۸۷ موفق گردید تا همواره میزان رشد پول در جریان را پایین تر از سقف تعیین شده نگهدارد، در آغاز سال ۱۳۸۷ مقدار پول در دوران بالغ بر ۵۹ میلیارد افغانی بود. در پایان همین سال دوران پول با رشد ۳۰ فیصد به ۷۷ میلیارد افغانی بالغ گردید، از سوی دیگر یکی از ابزارهای مهم سیاست پولی د افغانستان بانک فروش اسعار خارجی بخاطر کنترل پول در جریان بوده و د افغانستان بانک در همین سال بیشتر از ۱۴۰۰ ملیون دالر امریکایی را به همین منظور به فروش رسانیده است. در سال ۱۳۸۷ بانک مرکزی افغانستان ۱.۴ میلیارد دالر امریکایی را بفروش رسانید تا از نوسانات فاحش ارزش مبادلوی افغانی جلوگیری نماید، در همین سال میزان سپرده های مردم به ۲۷ درصد رسید در حالیکه در سال ۱۳۸۶ به ۲۵ درصد بود و عاید سرانه مردم در سال ۱۳۸۷ به ۴۵۹ دالر امریکایی رسید. در سال ۱۳۸۸ رشد اقتصادی افغانستان حدود ۲۲.۵ فیصد تخمین گردیده بود که در همین سال رشد و افزایش چشمگیر سکتور زراعت، علت رشد اقتصادی افغانستان عنوان شده است زیرا به دلیل

د بهرنيو اسعارو خوندي پټنځايونو سره خدای په امانې؟

کې پاتې شو. په ورته وخت کې د هنګري (Hungarian) هېواد پولې واحد فورینټ (forint) هم د یورو پر وړاندې د یو کال لپاره په ټیټه کچه کې قرار درلوده. همدارنگه د پولنډ هېواد پولې واحد زلوتي (zloty) د ډالرو په وړاندې هغه وخت د ۲ سلنې په اندازه ارزښت له لاسه ورکړ، کله چې د عمده پلورنې بهیر د اروپا په زون کې پراختیا وموندله.

د دې اسعارو د یو ناڅاپي نزولي بهیر په پایله کې گڼ شمېر عوامل را پیدا شول، چې یو ستر او د پام وړ لامل یې له دې څخه ویره ده چې د اروپا زون هېوادونو د پورونو د کړکېچ او هغه هېوادونه چې د اقتصادي ودې تر ټولو چټکه کچه لري، په پایله کې د صادراتو د تقاضا د کچې د کمېدو او د پانگې اچونې د جریاناتو د نوساني کېدلو له امله زیانمن نه شي.

د یورو زون په هکله انډینې هغه وخت زیاتې شولې، کله چې د اروپایي هېوادونو د مالې وزیرانو په پولنډ (Poland) کې د سپتمبر د میاشتې په نیمایي کې سره وکتل، خو د یونان د پور د کړکېچ په برخه کې کومې پایلې ته ونه رسیدل. د بازار ډېری شمېر برخه اخیستونکو هم په

شو. کله چې په ۲۰۱۱ کال د سپتمبر د میاشتې په ۱۹ نېټه د جنوبي کوریا پولې واحد وان (won) د ډالرو په وړاندې د ۲.۲ سلنې په اندازه خپل ارزښت له لاسه ورکړ او همدارنگه ورپسې د اندونیزیا هېواد پولې واحد روپیه (rupiah) د ډالرو په وړاندې د ۱.۵ سلنې په کچه ارزښت له لاسه ورکړ.

په همدې کال، په اسیا کې د ډالرو د ارزښت شاخص چې د JPMorgan او Bloomberg بلومبرگ شرکتونو لخوا تالیف کیده، ۱۰ مشهورو اسعارو (پرته د جاپان له پولې واحد، ین څخه) د ډالرو په وړاندې ۲.۵ سلنه په اندازه ټیټوالی ومونده چې په پایله کې د دې اسعارو صعودي بهیر د کال له پیل څخه تر یادې شوې نېټې پورې یې نتیجې پاتې شو.

د دومینو (Domino) اغیزې

د دې پېښو منفي اغیزې ډېر ژر د ودې په حال کې اروپایي هېوادونو او افریقایي هېوادونو په اسعارو کې راڅرګندې شوې چې له امله یې د سوېلي افریقا پولې واحد راند (rand) هم د ډالرو په وړاندې د ۳ سلنې په کچه ټیټوالی ومونده چې ارزښت یې د ۲۰۱۰ کال د جولای له میاشتې څخه تر دې میاشتې پورې په ټیټه کچه

که څه هم اوس مهال د اروپایي هېوادونو پالیسی جوړونکي هڅه کوي چې د یو شمېر هېوادونو د پورونو ستونزې حل کړي او په ورته وخت کې د ودې په حال کې هېوادونه هم کوبښن کوي چې د اسعارو د نوسان د صعودي بهیر د ټیټولو تر څنګ د خپلو هېوادونو تورم مهار او په تعادل کې وساتي، خو سره له دې هلو ځلو بیا هم د اسعارو نړیوال بازارونه تر یوې کچې متزلزل او نوساني شوي دي. هغه هېوادونه چې پولې واحدونه یې معمولاً د ډالرو په وړاندې په سیالی کې دي، د خپلو اسعارو د صعودي بهیر او د صادراتو د ښه والي په موخه مجبور او مکلف دي چې په بې ساري اقداماتو کې لاسوهنه وکړي. چې آیا بل رقیب شته؟

د ۲۰۱۱ میلادي کال په میاشتو کې، د ودې په حال کې هېوادونو د اسعارو ارزښت په دوامداره توګه د ډالرو په وړاندې صعودي بهیر درلودلی دی، دا صعودي بهیر چې ظاهراً د توقف وړ نه گڼل کېده، خو په همدې کال د سپتمبر د میاشتې په پای کې یې په یو ناڅاپي توګه توقف ومونده.

د یاد شویو هېوادونو نزولي بهیر د لومړي ځل لپاره هغه مهال په اسیا کې څرګند

هیڅ پټنځای موجود نه دی

د HSBC له تحقیقاتو څخه څرگندېږي چې دا ډول اقدامات په دې مانا دي چې د ډالرو رقیبان د گوښه کېدنې په حال کې دي، په هغه شرط چې دا گوښه کېدنې موقتي نه وي. د دې پېښې پیغام د بهرنیو اسعارو پانگو اچونکو ته دا دی د پټېدو لپاره ځای پاتې نه دی. د دې لپاره چې د ډالرو رقیب وگڼل شي؛ هېوادونه باید د تورم د کنټرول اوږد مهاله سابقه ولري او د هېواد په دننه او بهر کې له ښه اقتصادي وضعیت څخه برخمن وي. سر بېره پر دې دا ډول هېوادونه باید له سیاسي ثبات سره سره د بهرنیو اسعارو بازارونه پرانېستي وساتي او د کافي سیالیت (نقدینه گڼي) درلودونکی وي. د سپتمبر په میاشت کې د HSBC شرکت لخوا د بهرنیو اسعارو د استراتیژي ټیم د ۵۲ هېوادونو د بنسټیزو ځانگړتیاوو له تحقیقاتو څخه معلومېږي چې د جاپان او سویس د مقاماتو لخوا په اغېزناکه توگه د تر سره شویو اقداماتو په پایله کې دم گڼی له بازار څخه کم تر کمه دوه مشهور اسعار په ټکر کې دي. د دې ټولو بدلونونو (ځای ناستو) له جملې څخه کاناډایي ډالر چې احتمالاً تر شاه یې ډېر لگښتونه او زیانونه موجود دی، ډالرو سره یې د سیالی توانایي خو ډېره لرې تر سترگو کېږي. له دې ټولو خبرو څخه دې پایلې ته رسیږو چې د بهرنیو اسعارو په بازارونو کې بل هیڅ پټنځای وجود نه لري خو کیدای شي د طلا د نرخ په لوړ ساتلو کې به لا کونښنونه روان وي.

عین الله عیان
ماخذ: دی بانکر مجله

واحدونو ارزښت قصداً ټیټ ساتي. د یو بانکر په وینا: "د اقتصادي رکود خطرونه ورځ تر بلې په ډاگه کېږي خو د اساسي تورم موجودیت په دې مانا ده چې یاد شوي چارواکي لا تر اوسه حاضر نه دي چې د ټکنې نرخ کم کړي.

بې سارې لاسوهنه (مداخله)

په اروپا کې د سویس هېواد پالیسي جوړونکي د سویسي فرانک (franc) ارزښت جوړونې د لگښتونو له وېرې مجبور او مکلف دي، څو داسې لاسوهنې وکړي چې په هغه هېواد کې بې ساری نه وي. د سپتمبر په میاشت کې د سویس ملي بانک پر فرانک باندې د لومړي ځل لپاره داسې محدودیت وضع کړ چې په وروستیو دريو لسيزو کې بې ساری نه لیدل کېږي، د دې محدودیت لامل یا موخه د فرانک دوامداره او د پام وړ ټیټوالی دی. د سویس ملي بانک په وینا چې د زوریخ (Zurich) په ښار کې موقعیت لري" دا بانک حاضر نه دی چې د یورو او فرانک تبادلې دې حد اقل د فرانک په ۱.۲۰ نرخ صورت ومومي او حاضر دی چې په زیاته پیمانه بهرني اسعار وپيږي.

د سویس ملي بانک د اقداماتو په تعقیب، د جاپان مرکزي بانک یو لړ اقدامات د اسعارو د تبادلې په بازارونو کې د هغه هېواد د پولي سیاست د بندیزونه د لمنځه وړلو او د ین (yen) د ټیټ ساتلو په موخه تر لاس لاندې ونيول چې دا پیسې (اسعار) د ډالرو په وړاندې یو بل پټنځای و. همدارنگه د جاپان مرکزي بانک د زیاتو بندیزونو د لمنځه وړلو لپاره خپل چمتوالی مخکې له دې چې د ین (yen) صعودي بهیر سوداگريزی او د اقتصاد د ښه والي د امکاناتو روحیه متاثره کړي، څرگند کړ.

د موساف (MOSAFE) میدان (بل

خپلو ویناوو کې یونان د پور په ورکړه کې بې وسه په گوته کوي حتی ډېری پانگه اچونکي هم د ډالرو په پټنځایونو باندې د بانک له بدلیدو څخه اندیښمن دي خو د متحده ایالاتو نظریه (outlook) د ودې په حال کې هېوادونو د اسعارو د بازارونو په ځانگړې توگه د هغو کسانو د مجازاتو په اړه چې د متحده ایالاتو په اقتصادي رکود کې یې ډېر لاس درلوده، نیمگړې پاتې ده. د سپتمبر د میاشتې په نیمايي کې دا موضوع د بېلگې په توگه، د مکزیکن (Mexican) پزو (peso) د ډالرو په وړاندې ۱۲.۶۹۱۰ پزو په اندازه تبادلې کېدلې، چې د ارزښت له ټیټېدو څخه د ۵۲ اونيو په ترڅ کې یې کچه ۱۳ وه چې عمده لامل یې هم د دوو هېوادونو ترمنځ نږدې سوداگريزې اړیکې دي.

د تورم (انفلاسیون) ویره:

د نړۍ د اقتصادي رکود په وړاندې د ودې په حال کې هېوادونو د داخلي پالیسي عکس العملونو هم د پولي واحدونو په ارزښت جوړونې باندې پر ځای اغیزې پرېښودلي دي چې له امله یې د اگست د میاشتې په پای کې د برازیل مرکزي بانک د ټکنې نرخونه له ۱۲ سلنې څخه ۰.۵ سلنې ته ټیټ کړي چې د ناوړه عواقبو بیانونوکی دی. د نړخونو د کموالي، د برازیل پولي واحد په یو ناڅاپي توگه متاثر کړ چې د سپتمبر د میاشتې په نیمايي کې د ډالرو په وړاندې د ۱.۶۵۵۷ په اندازه تبادلې کېدلې چې د ارزښت له ټیټېدو څخه د ۵۲ اونيو په ترڅ کې د ۱.۷۳۹۶ په اندازه، دومره توپیر نه لري.

د اسيا په وچه کې د اقتصادي ودې د ښه والي اړتیا باید د تورم له کچې سره په دوامداره توگه په انډول (توازن) کې وساتل شي. په ځینو مواردو کې پالیسي جوړونکي او مرکزي بانکونه په دې هیله چې صادرات یې ښه والی (بهبود) ومومي، د خپلو پولي



بودجه کلمه فرانسوی Baguette در حقیقت کلمه یی است که امروز به عنوان بودجه (Budget)، مورد استفاده قرار می گیرد. این کلمه از زبان فرانسوی به زبان انگلیسی و سپس به زبان های دیگر راه یافته است.

مردم عادی، بودجه را به معنی دخل و خرج، عواید و مصارف، دریافتها و پرداخت های دولت می شناسند، در حالیکه بودجه عبارتست از برآورد عواید و سایر منابع تأمین اعتبار و پیش بینی مصارف برای انجام پلان عملیات معین در دوره محدودی از زمان، به منظور دستیابی به هدف های از پیش تعیین پلان شده. در این پلان عواید و مصارف قطعی سال قبل و عواید و مصارف سال جاری نیز ارائه می شود.

باید در نظر داشت که بودجه بندی موسسات تولیدی، صنعتی، طبی، بانکها، ترانسپورت و ... فرق میکند. میگویند بودجه را یک ابزار مدیریتی میخوانند برای

فعالیت های آینده یک موسسه که شامل پلان فروش، مصارف، تولید و... میباشد. بودجه باید بر اساس بدست آوردن نیاز های موسسه برای یک زمان مشخص ترتیب شود. در بودجه پیش بینی و طرح ریزی سال بعدی با استفاده از تجارب قبلی با در نظر داشت گرایش های بازار، استندرد های مورد خواست مشتری و همچو مسایل گنجانیده شود.

باید گفت بودجه بخاطر دارا بودن مزیت ها اهمیت زیادی دارد. از همه مهم تر اینکه مسوولیت فعالیت بخش های کاری مشخص و روشن میشود. برای موسسات تولیدی بوجه در وقت اخذ قرضه از بانکها کمک کننده میباشد.

باید گفت هر چه دقیق تر مراحل ترتیب بودجه اصول آن رعایت شود بودجه جامع بدست خواهد آمد، بودجه باید سالانه باشد زیرا مطابق به یک سال مالی ترتیب میگردد. تخمین درست عواید و مصارف هم یکی از اصل ترتیب بودجه است. در

تهیه و تنظیم بودجه دقیق تر باشیم، دفاتر اجرایی بودجه های پیشنهادی خود را در قالب پیش بینی عواید و مصارف در چهار چوب سیاست ها و پلان های بزرگ تنظیم و پس از طی مراحل به کمیسیون موظف بودجه سازی می سپارند.

وزارت مالیه که مکلفیت بودجه سازی و گزارش دهی را دارد، در گزارش مواد آتی شامل میگردد:

- پروگرام مالی و تخمین حداقل بودجه طرح بودجه
- بررسی بودجه
- حدود نهایی بودجه
- ترتیب مسوده بودجه
- منظوری بودجه

کمیته بودجه، پروگرام انکشافی مالی را ترتیب و به شورای وزیران میسپارد تا بعد از طی مراحل به پارلمان جهت منظوری ارسال نمایند. پروگرام متذکره دارای معلومات آتی میباشد- تشخیص دور نمای متوسط المدت وضع اقتصادی مالی و ◀◀



ساختن رسک و عدمها اطمینان گردیده و با توجه به اهداف تصدی سهولت در کنترل و رهبری موفقانه را در قبال خواهد داشت. پلانگذاری معمولاً به پلان های کوتاه مدت، متوسط المدت، و طویل المدت تقسیم میگردد. هر کدام اهداف جداگانه را دنبال نموده و دارای محتویات مشخص میباشد. در موسسات تولیدی پلانگذاری مشتمل بر عوامل تولید، عملیه تولید، امور مالی و بازار فروش میباشد. به همین اساس در بودجه سازی تصدی ها و موسسات تولیدی با اشخاص فنی و مسلکی امور انجیری هم مشوره ضرور و لازم میباشد.

بایانی

ماخذ: قوانین مالی و گمرکی افغانستان

میباشد. بودجه سازی مربوط به مدیریت خوب و موثر است، درین صورت پلان گذاری درست و موثر ترتیب میگردد. پلان گذاری مطابق به پیش بینی و تنظیم آگانه و علمی فعالیت های اقتصادی و اجتماعی ترتیب میشود و بدون آن تصمیم در بودجه سازی کاملاً ناقص و بی هدف خواهد بود. علما معتقد اند که پلانگذاری یک پروسه عقلانی بود و متقاضی آست که رهبری تصدی قبل از اینکه عمل نماید فکر کند به عباره دیگر پلان یک پروسه دوامدار بوده که مستلزم یک تفکر قبلی است.

پلانگذاری در هر موسسه و یا تصدی اگر بزرگ باشد یا کوچک با عیث کم

ارزیابی مختصر چگونگی تطبیق بودجه سال گذشته - تعیین چهار چوب پلانگذاری مالی و سطح منابع کلی که بودجه سال آینده - تشخیص پیشبینی های اساسی اقتصادی و تخمین عواید و مصارف بنیادی، تخمین عواید و مصارف جهت تعیین وضعیت مالی - اولویت های کلیدی بودجوی سال آینده، بودجه عواید بشمول تخمین مبالغ قابل دریافت از مالیات، فیس ها، محصول گمرکی، وجوه تهیه شده از طرف کمک کنندگان (دو نر ها) و سایر عواید - تخصیص مجموعه کلی منابع برای هر واحد اولی بودجوی، ذخایر وجوه با در نظر داشت اولویت های مندرج در استراتژی ملی انکشافی و موضوعات مربوط به ثبات مالی



افغانستان در محراق توجه جامعه جهانی قرار گرفته و پول های هنگفتی را بنام کمک در افغانستان سرازیر نموده اند. بنام درک و فهم اهمیت این موضوع ایجاب می نماید تا از یک طرف نحو مصرف و اهداف آن مورد بحث قرار گرفته و از جانب دیگر تأثیرات این کمک ها بالای رشد اقتصادی و پیامد آن مورد بحث و تدقیق قرار گیرد. همه می فهمیم که با توجه به پایین بودن سطح عواید دولت، کمک های بین المللی یکی از عمده ترین منابع تمویل بودجه افغانستان را تشکیل می دهد، یعنی تقریباً ۸۰ الی ۹۰ درصد کل مصارف عمومی در افغانستان را تشکیل می دهد. بنابراین چگونگی مصرف کمک های خارجی تأثیر زیادی در سطح زندگی تمام مردم افغانستان می تواند داشته باشد و در پروسه بازسازی و انکشاف، نقش تعیین کننده ای را خواهد داشت. با توجه به



حسب الله دکی
کارمند بخش مالی کمپنی داوی آیل

نقش و اهمیت کنفرانس های بین المللی در رشد و توسعه اقتصاد افغانستان

به انکشاف به خصوص افغانستان به شمار می رود. سرانجام برای اینکه افغانستان بتواند از حالت فقر و عقب مانی به مرحله رشد و توسعه اقتصادی دست یابد خواستار کمک و همکاری از کشور های توسعه یافته و جامعه جهانی گردید، که بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر و حضور جامعه بین المللی در افغانستان موضوع کمک های خارجی اهمیت زیادی پیدا کرده است. این کمک ها طی کنفرانس های متعدد برای کشور از طریق جامعه جهانی و کشور های انکشاف یافته و کمک کننده صورت گرفته است. چنانچه بعد از سال ۲۰۰۲

قبل از اینکه در مورد نقش و اهمیت کنفرانس های بین المللی در رشد و توسعه اقتصاد کشور بحث کنم میخواهم تا یک دید و نگاهی کلی بر اوضاع سیاسی، امنیتی اقتصادی کشور قبل از کنفرانس بن اول و بعد از کنفرانس بن دوم و دیگر کنفرانس ها داشته باشم در نتیجه درمیابیم: چون افغانستان از جمله کشورهای جهان سوم یا رو به انکشاف بشمار میرود. پائین بودن سطح درآمد، اقتصاد سنتی، افزایش نفوس، پایین بودن سطح اشتغال، کمبود نیروی متخصص و اقتصاد سیاه و زیر زمینی از جمله مشخصات کشور های رو



موجودیت بعضی شرایط در کمک های بعضی از کشور ها، کمکها عدم قرار گرفتن کمک ها به دسترس دولت. کمبود مزمن سرمایه گذاری ها، موجودیت ساختارهای موازی، ترویج فساد و فرهنگ معافیت باعث تضعیف انکشاف نهاد ها از لحاظ نیرومندی و اعتبار شده و موثریت کمک ها را تا اندازه بیشتر صدمه زده است.

بزرگترین چالشی که همه میدانید ناشی از ناامنی ها بوده که باعث از دست رفتن زندگی یک تعداد زیاد مردم ما، تهدید جدی در مقابل سرمایه گذاری ها شده و مانع پیشرفت در ساحات بازسازی، اصلاحات، انکشاف و توسعه گردیده است. در پهلوی اینچنین چالش ها دولت افغانستان باید تطبیق پروژه های بزرگ زیربنایی، ایجاد فرصت های اشتغال و انکشاف سکتور های تولیدی افغانستان به ویژه زراعت، انرژی و معادن، افزایش نیروی های متخصص و مسلکی و سرمایه گذاری بیشتر در بخش تحصیلات

در حالیکه در ۲۰۰۱ تلفون همراه وجود نداشت، امروز ۶۰ فیصد افغانها تلفون همراه دارند، مطبوعات رشد چشمگیری داشته است، هزار ها تصدی سرمایه گذاری کوچک ایجاد شده و تعداد زیادی از افغانها امروز بیش از هر زمان دیگر در سکتور خصوصی اشتغال دارند. بطور خلاصه، از یک حالت رقت بار ده سال قبل، اقتصاد ما رشد چشمگیری را تجربه کرده و میزان عواید ناخالص ملی ما تقریباً سه برابر افزایش یافته است. همه اینها موضوعاتی اند که اهمیت کنفرانس های بین المللی را در تحول چشمگیر اقتصاد کشور و مردم ما بر جسته می سازد. اما در پهلوی این موضوعات چالش هایی که افغانستان به آن مواجه بوده و با آنها دست و پاچه نرم میکند مانند: عدم موجودیت ظرفیت ها برای جذب کمک های خارجی در ادارات و وزارت خانه ها، عدم نظارت دقیق از موسسات غیر دولتی، موجودیت فساد گسترده در دستگاه دولت، نبود شفافیت در کمک های خارجی،

پیوند بین انکشاف اقتصادی و امنیت، کمک ها نیز می تواند تأثیری زیادی بر صلح و ثبات در کشور داشته باشد. ده سال پیش بود که افغانستان سفر تاریخی خود را برای انکشاف و بیرون آمدن از زد و بند های سیاسی، خود سری ها و انارشی، جنگ های داخلی، تاریکی، ظلمت و انزوا، بسوی یک آینده مملو از امید و تعهد آغاز کرد. افغانستان صفحه جدیدی را در روابطش با جهانیان گشود. پس از آن، افغانستان به بستر همکاری های جهانی برای تحقق اهداف مشترک مبدل شد.

در عین حال، حاکمیت قانون آرام آرام تحکیم یافته و ارائه خدمات عامه تا اندازه بهبود یافته است. پوشش خدمات اساسی صحتی از ۹ فیصد به بیش از ۶۰ فیصد جمعیت افغانستان افزایش یافته؛ ثبت نام در مکاتب از کمتر از یک میلیون به ۸.۴ میلیون شاگرد رسیده است؛ در ده سال گذشته، جاده های زیادی که در تاریخ کشور بی نظیر بوده است احداث گردیده.



عالي، سرمایه گذاری در بخش تکنالوژی و غیره را در اولویت کاری جامعه جهانی و دولت افغانستان قرار میداد. کشور ما سرشار از منابع غنی زیرزمینی به ارزش هزاران میلیارد دالر است و دولت ما باید تمامی تلاش های ممکنه را برای استخراج و بهره برداری از این منابع به نفع رشد و رفاه متداوم اقتصاد افغانستان انجام بدهد.

مسلماً، آینده افغانستان بالاخره به تحقق همگرایی اقتصادی منطقه که افغانستان مرکز آن به شمار میرود، بستگی دارد. موقعیت خوب افغانستان نقش کلیدی را منحصراً پل ارتباطی برای ترانزیت، تجارت و پیوند کشور ها ایفا میکند. تا اکنون در حدود دوازده کنفرانس بین المللی راجع به بهبود اوضاع کشور از نگاه سیاسی، امنیتی و اقتصادی در کشور های مختلف دایر گردیده است که طی این کنفرانس ها افغانستان دستاورد ها و چالش هایی را که در آن سال ها موجود بوده به کشور های دونه و کمک کننده و جامعه جهانی گزارش داده و خواهان همکاری های بیشتر و بیشتر از آنها در قسمت حمایت کشور بر خود کفایی اقتصادی و زندگی مرفعه مردم کشور گردیده است که آن کنفرانس ها به شرح ذیل میباشند. کنفرانس بن اول: این کنفرانس؛ نخستین و مهمترین کنفرانسی که سرنوشت کشور مان را رقم میزند در پنجم دسامبر سال

۲۰۰۱ میلادی در شهر بن آلمان برگزار شد. در این نشست در باره ایجاد اداره موقت، استقرار نیروهای خارجی در افغانستان و تأسیس کمیسیون قانون اساسی فیصله شد. کنفرانس توکیو: نشست توکیو دومین کنفرانس بین المللی در بیست و یکم جون سال ۲۰۰۲ میلادی به میزبانی دولت جاپان و سازمان ملل متحد با حضور نمایندگان ۵۰ کشور جهان به مدت ۲ روز برگزار گردید. در این نشست روی بازسازی و توسعه افغانستان تأکید شد و نیز جامعه جهانی بر اهمیت ایجاد چهار چوب مشخص و جامع اقتصاد کلان پولی در افغانستان تأکید کرد. در این نشست کشورهای کمک کننده تعهد کردند که ۵/۴ میلیارد دالر را در ۵ سال برای بازسازی افغانستان کمک کنند. کنفرانس برلین: نشست برلین سومین کنفرانس با اشتراک مقامهای دولت انتقالی افغانستان و نمایندگان کشورهای کمک کننده در سی و یکم مارچ سال ۲۰۰۴ میلادی برای دو روز در آلمان برگزار شد. دولت افغانستان با طرح مشخصی به نشست برلین رفت و خواهان ۱۲ میلیارد دالر کمک برای سه سال آینده برای افغانستان شد که جامعه جهانی برای پرداخت ۸ میلیارد دالر برای سه سال آینده توافق کردند. در این نشست مقامهای دولت انتقالی تعهد

کردند که انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی را برگزار کنند و برای آوردن حکومت داری خوب، تقویت بخش خصوصی، مشارکت گروههای اجتماعی، بازسازی، مبارزه با کشت و قاچاق مواد مخدر و اجرای کامل موافقت نامه بن تلاش کنند.

کنفرانس لندن: نشست لندن چارمین کنفرانس بین المللی، در روز نخست ماه فبروری سال ۲۰۰۶ میلادی برای دو روز برگزار شد. در این نشست که بیش از ۷۰ کشور جهان در آن شرکت کرده بودند، بیش از ۱۰ میلیارد دالر به افغانستان کمک کردند.

در نشست متذکره سندی به نام توافق نامه افغانستان نیز به امضا رسید که بر بنیاد این سند، حکومت افغانستان متعهد گردید تا برای ایجاد یک اداره شفاف و پاسخ گو، مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با هراس افگنی و رعایت حقوق بشر تلاش جدی ورزد.

موافقت نامه لندن بعد از موافقت نامه بن مهمترین سندی بود که دولت افغانستان و جامعه جهانی آن را امضاء کردند. کنفرانس روم: پنجمین کنفرانس در این رابطه در ماه جولای سال ۲۰۰۷ میلادی در روم پایتخت ایتالیا دایر شد. موضوع اساسی مورد بحث این نشست، حاکمیت قانون در افغانستان بود. در این نشست شرکت کنندگان این نشست نظام

قضایې افغانستان را بررسی کردند و راهکارهای اصلاح نظام قضایی کشور را مورد بحث قرار دادند. کنفرانس پاریس: ششمین کنفرانس در باره افغانستان در شانزدهم جون ۲۰۰۸ میلادی در پاریس برگزار شد. در این نشست حکومت افغانستان خواهان ۵۰ میلیارد دالر برای برنامه های ۵ سال آینده افغانستان گردید. کمک هایی که در نشست لندن تعهد شده بود، نیز بخشی از این خواست حکومت افغانستان بود. در نشست پاریس ایالات متحده امریکا ده میلیارد دالر، سازمان ملل متحد یک میلیارد دالر و جاپان نیم میلیارد دالر کمک کردند و کشورهای دیگر چون فرانسه و آلمان نیز تعهد کردند که کمک هایشان را تا دوبرابر افزایش دهند. کنفرانس هاگ: هفتمین نشست به روز سی و یکم مارچ ۲۰۰۹ میلادی برای یک روز در هالند برگزار شد. در این نشست نود کشور جهان شرکت کرده بودند، در تعهدات نشستهای بن، لندن و پاریس درباره افغانستان یک بار دیگر در این مجلس تازه شد؛ تقویت حکومت داری خوب، گسترش رشد اقتصادی، تقویت امنیت، افزایش همکاریهای منطقه ای، پیشبرد عملیات قوی نظامی در برابر شورشیان، پیشکش پالیسی جدید دولت افغانستان برای مصالحه با طالبان از موضوعات مهم نشست هاگ بود. کنفرانس ونیز: در هشتمین نشست در ین سلسله ایالات متحده امریکا در راهکار جدیدش بر افزایش کمک های مالی و پرسونل نظامی به افغانستان تأکید کرد. کنفرانس دوم لندن؛ نهمین نشست دوم لندن در بیست و هشتم ماه جون سال ۲۰۱۰ میلادی در پایتخت بریتانیا برگزار شد و از اهداف مهم این نشست انتقال مسؤلیت های امنیتی از

نیروهای خارجی به نیروهای افغانی به شمار می رفت. کنفرانس کابل: دهمین نشست در کابل به روز بیستم ماه جولای سال ۲۰۱۰ میلادی با حضور ۴۰ وزیر خارجه کشورهای جهان برای یک روز در کابل برگزار شد. در این نشست دولت افغانستان بر نا مه های برای بهبود روند توسعه اقتصادی، حکومت داری خوب و امنیت ارائه کرد و نیز از جامعه جهانی خواست تا ۵۰ درصد کمک ها از طریق بودجه دولت افغانستان به مصرف برسد که این خواست حکومت افغانستان از سوی شرکت کنندگان این نشست پذیرفته شد. کنفرانس لزبون: این نشست یازدهمین نشست بین المللی به روز نوزدهم نوامبر سال ۲۰۱۰ میلادی برای دو روز در لزبون، پایتخت پرتگال برگزار شد. چگونگی حضور مأموریت ناتو در افغانستان از موضوعات کلیدی این نشست بود و نیز پلان های ترانزیتی، برنامه آموزشی کارمندان مبارزه با مواد مخدر، تهیه تجهیزات به نیروهای افغانستان و امضای تفاهم نامه همکاریهای درازمدت میان افغانستان و متحدان جهانی اش موضوعات عمده این نشست را تشکیل می داد. کنفرانس استانبول: دوازدهمین نشست استانبول به روز دوم ماه نومبر سال ۲۰۱۱ میلادی در شهر استانبول ترکیه تدویر یافت. در این نشست که به میزبانی ترکیه راه اندازی شده بود، وزیران خارجه و مقامهای بلند پایه ۱۴ کشور به شمول کشورهای همسایه افغانستان و کشورهای منطقه شرکت داشتند. در این نشست بر مبارزه مشترک با هراس افگنی، مبارزه با کشت و قاچاق مواد مخدر، ادامه تلاش ها برای تأمین امنیت و آوردن ثبات در افغانستان تأکید شد. به دنبال این همه نشستها این بار حکومت افغانستان ریاست یک نشست جهانی دیگر را

در بن آلمان برعهده گرفت. کنفرانس بن دوم: در نهایت دومین نشست جهانی بن در آلمان به میزبانی کشور آلمان و به رهبری حکومت افغانستان با شرکت بیش از ۹۰ کشور جهان و شمار زیادی نمایندگان نهادهای جهانی و جامعه مدنی برگزار شد. ادامه پشتیبانی و تعهد درازمدت جامعه جهانی با افغانستان از موضوعات مهم این نشست گفته شد. در نتیجه در میابیم که تمامی کمک های کشورهای کمک کننده و جامعه جهانی در چارچوب این چنین کنفرانس ها بر اوضاع و احوال کشور مان صورت گرفته و تا اندازه بهبود را در قسمت امنیت، اقتصاد، سیاست، قضاء، صحت، تعلیم و آموزش، دولت داری و حاکمیت قانون، بوجود آورده است و بهترین فرصت را برای افغانستان مساعد ساخت تا دولت افغانستان بتواند مانند دیگر کشورهای کمک گیرنده مانند ارژانتین، کلمبیا، مکزیک، کوریا از این کمک ها به صورت درست و موثر اش استفاده بکند و از تجربه آن کشور دریابد که چگونه کمک ها را سکتور بندی کردن که توانستن مشکلات فقر و عقب مانی را بهبود بخشند و به خود کفایی اقتصادی دست یابند. من در در اخیر این مقاله چند راهکار را میخوام ابراز نمایم: مدیریت و رهبری درست کمک ها در چارچوب یک مدل سنجش شده و دقیق الویت بندی در به کار بردن کمک ها (زیربنا ها، زراعت، صنایع، انرژی و منابع آبی) تقویت بیشتر هماهنگی میان کشورها، مؤسسات کمک دهنده و حکومت روی دست گرفتن سیاست های موثر پولی و مالی از جانب دولت افزایش منابع عواید داخلی از طریق سرمایه گذاری در بخش های معادن، انرژی و غیره کشورها و مؤسسات کمک دهنده باید کمک های خود را غیر مقید سازند تا مؤثریت کمک های شان افزایش یابد. ●

نښه برنامۀ روشن در زمینه جلوگیری از فقر و عدم توجه به زیربنا های اقتصادی در سالهای گذشته باعث شده که شمار زیادی از هموطنان با فقر و بیکاری مواجه شوند.

نگرانی از افزایش فقر در سرمای شدید که طی سال های اخیر بیسابقه بوده زندگی مردم را به شدت تحت تاثیر قرار داده و با مشکلات فراوانی روبرو ساخت. متأسفانه تورم مواد غذایی و رشد جمعیت سبب شده است که پدیده فقر هرروز در جهان گسترش یابد، اما افغانستان از آنجایی که گرفتار نا امنی و تورم وارداتی نیز است بیشتر از دیگر کشور ها از روند رو به رشد فقر و قیمت سرسام آور مواد غذایی رنج می برد.

باید گفت که فقر گسترده ای که همیشه دامنگیر مردم افغانستان بوده، محصول عوامل مختلفی طی سال های متمادی می باشد یکی از عوامل اساسی فقر در افغانستان را عدم

احتکار چگونه بوجود میآید؟

مطلوبی در برداشت و تاثیر آن زیاد مشهود نیست

کمبود مواد غذایی از یک سو و خشکسالی طی سالهای اخیر در برخی مناطق، میزان فقر را در کشور بالا تر برده است. قرار گزارش های ارایه شده از منابع جهانی وضعیت انسانی در افغانستان بسیار جدی و فاجعه بار خوانده شده است. ادامه نا امنی ها، خشکسالی ها و افزایش قیمت مواد غذایی در سطح جهان هم تأثیر خود را درین رابطه داشته و مزید بر علت شده است. کارشناسان اقتصادی معتقد اند:

افغانستان از نظر اقتصادی در وضعیت مناسبی قرار ندارد و بنا بر آمارهای ارایه شده، کشور نشان فقیر میباشد زیرا ۷۰٪ مردم افغانستان از فقر شدید رنج می برند به این معنی که نمی توانند به حداقل ضرورت های زندگی که یکی از آنها امرار معاش است، دست یابند. پس از سالهای ۲۰۰۱ در افغانستان بعضاً کارهایی در زمینه بهبود وضعیت اقتصادی مردم صورت گرفت اما به دلیل مشکلات فراوان ناشی از سه دهه جنگ و بروز بحران های اقتصادی جهان این اقدامات نتیجه



موجودیت استراتیژی دقیق و همه جانبه می توان دانست. عدم برنامه ریزی دقیق اقتصادی برای انکشاف دهات که حدود ۷۰ درصد جمعیت کشور را می سازد، عدم برنامه موثر بازار (مارکیت) که محکرمین از این وضعیت استفاده سو می نمایند، بیکاری، دوام جنگ، خشکسالی، آفات طبیعی، بی سواد و افزایش جمعیت از عوامل دیگر ایجاد و افزایش سطح فقر در افغانستان محسوب می شود. بر اساس آمارهای تخمینی حدود ۴ میلیون جوان در افغانستان بیکار هستند. این آمار جدا از شغل های کاذب است که مردم افغانستان به آن روی آورده اند و نوعی بیکاری پنهانی را در افغانستان ایجاد نموده است که با توجه به آمار بالای بیکاری دولت افغانستان باید تمرکز فعالیت های خود را به این مسئله بیشتر نماید. کارشناسان اقتصادی بر این نظراند که اقدامات دولت افغانستان در اشتغال زایی و مبارزه با بیکاری، اقدامات سطحی است و برنامه جامعی در این زمینه تا الحال وجود ندارد. یک بخش عمده یی که سد راه روند عملکرد بازار آزاد میشود، احتکار است که دامنگر مردم افغانستان میباشد. به ویژه احتکار مواد سوختی و مواد غذایی که درین فصل سرما پابر گلوی مردم میفشارد و زندگی تعدادی از اطفال بی سرپناه را ربود که توان خرید چوب و مواد نفتی را نداشتند.

با وجودیکه افغانستان یکی از کشورهای خرده مصرفی نفت است که قیمت نفت در آن همواره در نوسان بوده و هر روز تغییری را در بازار داخلی تجربه میکند، نشان دهنده موجودیت یک بازار ناکارای نفت در کشور میباشد. نظر به موقعیت جغرافیایی افغانستان، میتوان گفت که میان مسیرهای انتقال پایپ لاین نفتی منطقه قرار دارد و اگر چه ظاهراً مصارف واردات و عرضه نفت در افغانستان به مقیاس خیلی کشورهای دیگری کمتر است، اما قیمت آن همچنان سیر صعودی داشته و نوسان قیمتها اصولاً تابع تغییرات در قیمتهای جهانی نفت نیست. سهم مصرفی افغانستان در بازار نفت جهان، خیلی ناچیز است، اما دسترسی مردم به بازار نفت دشوار میباشد وقتی که تغییر در قیمت یک قرص نان وابسته به تغییر در قیمت نفت باشد، هر گونه نوسان در قیمت آن، میتواند مستقیماً رنگ دسترخوان یک دستفروش یا کارگر روزمزدی را که روزها را با بیکاری در چهارراهی ها سپری میکند، دگرگون سازد، در حالیکه ممکن است ظاهراً به قیمت مواد نفتی هیچ رابطه و سروکاری نداشته باشد، اما از نرخ کالای ضرورت اولیه که توسط وسایط نفتی وارد کشور میشود رنج بی حدی را متقبل میگردد. ناکارایی بازار نفت افغانستان مستقیماً وابسته به ساختار بازار نفت در کشور می

باشد. پندارهای نادرستی که گویا اقتصاد بازار در افغانستان با توجه به شرایط کنونی آن، نمیتواند کارایی داشته باشد، نشان دهنده یک حس بدبینی نسبت به عملکرد نظام در خصوص قیمتها میباشد. کارایی بازار آزاد مدیریت شده دست کم در سه صد سال گذشته نشان داده است که توانایی لازم برای افزایش منافع اقتصادی داشته است. اما ناتوانایی اقتصاد بازار در افغانستان ناشی از موجودیت عوامل گوناگون از جمله احتکار است. علمی ترین مسئله که تاکنون در رابطه به کارایی اقتصاد بازار موثق ثابت شده است، تعیین قیمتها بوسیله میکانیزم عرضه و تقاضا است و اینکه قیمت متعادل را باید عرضه و تقاضا تعیین کند، مگر اینکه مسئله سببایدی از طرف دولت در نظر گرفته شود، اما این که چرا میکانیزم عرضه و تقاضا نمیتواند قیمتها را در افغانستان، به ویژه قیمت نفت را، در تعادل نگهدارد؟ باید گفت که اگر بازار رقابتی باشد، کارایی عرضه و تقاضا در تعیین قیمتها غیرقابل انکار است. اما زمانیکه بازار نتواند زمینه رقابت را ایجاد کند، انحصار بوجود می آید و عملکرد خود کار عرضه و تقاضا، تعیین قیمت ها را به چالش میکشد، اما بدون شک تاثیرات ناگوار احتکار نقش خود را ایفا میکند و تداوم آن میتواند زیانهای جبران ناپذیر را بر اقتصاد کشور وارد کند. ◀◀

قیمت ها میگردد. تا صعود قیمت، نفع محترکان را افزایش دهد. به عبارت دیگر، احتکار عبارت است از کاهش یا متوقف ساختن جریان توزیع کالا توسط برخی از فروشندگان به طور موقت. این اقدام فروشندگان با توجه به وضع بازار به ویژه تقاضای تحریک شده خریداران، به منظور بالا بردن قیمت و عواید حاصل از افزایش قیمت کالا صورت می گیرد. گفته می‌توانیم که احتکار موجد نوعی رکود در نیروی فعال تولیدی، در اثر مداخله دولت در اقتصاد هم خطر احتکار مطرح می شود. یعنی محدود کردن احتمالی قیمت کالا موجب مهیا شدن امکانات برای بازار سیاه می شود که امری طبیعی است و بازار سیاه کالا در واقع حاکی از احتکار کالا است برای نفروختن آن به قیمت تعیین شده، البته اگر مداخله دولت دقیق و حساب شده صورت گیرد موجب حفظ تعادل و ممانعت از نوسانات شدید نرخ ها می شود اما چنانچه شرایط غیر عادی بر بازار حاکم نباشد و دولت صرفاً برای جلوگیری از بالا رفتن نرخها اقدام به تثبیت قیمتها کند، این مداخله چندان ثمربخش نبوده و باعث می شود که کمبود کالا بازهم رونما شود و منجر به احتکار گردد.

عبداللطیف بایانی

مواد اولیه یا اجناس ضروری مردم برای گران فروشی است و محترک، کسی است که کالا و لوازم ضروری مردم را برای رسیدن به پول بیشتر، انبار نموده و از عرضه کردن به موقع آن خود داری می نماید. پیامبر بزرگ اسلام (ص) می فرماید: هر شخصی که مواد غذایی را بخرد و پنهان کند به نیت این که گران شود و سپس بفروشد و صدقه بدهد این صدقه، کفاره گناه او نمی شود.

احتکار از دیدگاه اسلام چون قدرت خرید مردم را کاهش می دهد، حرام شمرده میشود. احتکار از جمله مسایلی است که مستقیماً به جامعه مربوط میشود و جلوگیری از آن مسوولیت دولت و موسسات کنترل کننده بازار است تا جلوگیری بکنند. مهمترین مسایل در داد و ستد از نگاه دین اسلام پرهیز از احتکار است.

تعداد دیگر کارشناسان احتکار را چنین تعریف کرده اند: تصمیم به کم کردن میزان عرضه تولید در بازار و در نتیجه بالا بردن قیمت فروش و بدست آوردن نفع گزاف است. احتکار انقباض مصنوعی عرضه کالا در بازار است که سر انجام، مسئله افزایش تقاضا بر عرضه را به وجود میآورد و منجر به پیدایش تورم و صعود

با آنکه وزارت تجارت و صنایع برای کنترل بازار مواد سوختی می کوشد جلوی همچو فعالیت ها را بگیرد اما خیلی درین راستا نا توان است زیرا پنجه های ظالمانه احتکار مانند موجودات بی رحم، آسمان بازار آزاد را پوشانیده است، احتکار نقش خطر ناکی در راه عدم پیشرفت اقتصادی جامعه ایفا میکند و خود عمل مافیایی است برای از میان برداشتن امید مردم از بازار آزاد و نشان دادن یک چهره زشت و مضر از سیستم بازار به مردم و مستهلکین که در نهایت فشار تمام این زد و بند ها را باید متحمل شوند.

احتکار را چنین تعریف نموده اند: احتکار در لغت از حکر گرفته شده به معنی ظلم و سوء رفتار، احتکار عبارت است: داشتن و ذخیره کردن مواد ضرورت عمومی و اولیه را برای تأمین منافع بیشتر در آینده با درک اینکه کارش خلاف قانون است آنرا از انظار عمومی و دولت پنهان می کند.

در واقع جمع نمودن بیش از اندازه و بیشتر از احتیاج اموال و یا پول و حفظ آن به حالت رکود نیز احتکار را بوجود می آورد. احتکار به پیکر اقتصاد جامعه ضربه وارد میکند و نرخ کالا را بالا برده و مردم را از لحاظ معیشتی در تنگنا قرار میدهد و یا عباره دیگر احتکار به معنی نگهداری

اطلاعیه د افغانستان بانک

به تاسی از مصوبه شماره چهل و هفت مورخ ۱۳۹۰ / ۱۲ / ۸ شورای محترم وزیران جمهوری اسلامی افغانستان و به خاطر تطبیق قانون مبارزه علیه تطهیر پول و تمویل تروریزم، تمام کسانیکه قصد سفر به خارج از کشور را داشته باشند، حین سفر به خارج از کشور تا بیست هزار دالر امریکایی یا معادل آن به سایر اسعار خارجی را از طریق میدانهای هوایی و سایر بنادر کشور انتقال داده می توانند، مبالغ بالاتر از محدوده وضع شده (بیشتر از بیست هزار دالر امریکایی و یا معادل آن به اسعار خارجی) از طریق یکی از بانک های مجوز کشور باید انتقال یابد.

تمام مسافرین محترم فیصله شورای محترم وزیران جمهوری اسلامی افغانستان را در نظر داشته تا با مشکلات احتمالی روبرو نشوند.

BANK

Da Afghanistan Bank (Publication)

1390

ISSUE **57** FIFTH YEAR MARCH 2012



Da Afghanistan Bank

(Central Bank of Afghanistan)